

ویژه نامه گفتگوهای مسیر پیشرفت - شماره ۵
تهیه شده در اندیشکده اقتصاد مقاومتی
آذر ماه ۱۴۰۱



اقتصاد دانش بنیان؛ چיستی، موانع و الزامات



گزارش مشروح از ۴ نشست تخصصی

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا
وَأَن هَا كِه در راه ما (با خلوص نیت) جهاد كنند، قطعاً به
راه های خود، هدایتشان خواهیم كرد.

ویژه‌نامه گفتگوهای مسیر پیشرفت

شماره ۵

موضوع: اقتصاد دانش بنیان؛ چابستی، موانع و الزامات
شورای علمی: محمدمهدی تاجیک، محمدمهدی یزدانی، علی افتخاری

صاحب امتیاز: اندیشکده اقتصاد مقاومتی

سرمدیر: محمدمهدی تاجیک

آذرماه ۱۴۰۱

اندیشکده اقتصاد مقاومتی یک کانون تفکر با مأموریت «اثرگذاری بر تصمیمات مسئولین و دستگاه‌ها به منظور تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی در کشور» است که در سال ۱۳۹۵ فعالیت رسمی خود را آغاز نمود.

مطابق با تعریف اندیشکده، اقتصاد مقاومتی یک رویکرد مدیریتی و سیاستی در اقتصاد است، به این معنا که سیاست‌ها، قوانین، قواعد و اقدامات عملیاتی، طوری طراحی شود که اقتصاد کشور از تکان‌های داخلی و خارجی، کمترین تاثیرپذیری را داشته باشد.

«ترسیم وضع مطلوب مبتنی بر تعریف فوق و با استفاده از منابعی همچون مبانی انقلاب اسلامی و قانون اساسی»، «توصیف وضع موجود مبتنی بر واقعیت‌های میدانی»، «شناسایی شبکه مسائل در هر حوزه موضوعی و طراحی راهکار عملیاتی برای حل آن مبتنی بر مطالعه، کسب مشورت از خبرگان و بررسی تجربیات جهانی»، «ترویج و گفتمان سازی مباحث در فضای عمومی» و «پیگیری از دستگاه‌ها و مسئولین مرتبط به منظور اتخاذ تصمیمات لازم» فعالیت‌هایی است که در اندیشکده انجام می‌شود.

یکی از برنامه‌های اندیشکده که با هدف ایجاد فضای مباحثه حول مباحث اساسی در محیط سیاستگذاری کشور دنبال می‌شود «گفتگوهای مسیر پیشرفت» است. ویژه‌نامه حاضر، مشتمل بر گزارش مشروح ۴ نشست تخصصی با موضوع «اقتصاد دانش بنیان؛ چپستی، موانع و الزامات» است که در چارچوب گفتگوهای مسیر پیشرفت، در شهرپور، مهر و آبان ماه ۱۴۰۱ در همکاری میان اندیشکده اقتصاد مقاومتی و دیگر مجموعه‌های پژوهشی و دستگاه‌های اجرایی برگزار شد.

علاقه‌مندان می‌توانند از طریق سایت Mett.ir با اندیشکده اقتصاد مقاومتی در ارتباط باشند و نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را در خصوص فعالیت‌های اندیشکده ارائه نمایند.

اندیشکده اقتصاد مقاومتی

آذر ماه ۱۴۰۱

دانش‌بنیان کردن اقتصاد، یکی از راهبردهای کلان کشور در سال‌های اخیر در چارچوب مقاوم‌سازی اقتصاد بوده و همواره مورد تاکید کارشناسان، صاحب‌نظران و مسئولین عالی کشور قرار گرفته‌است؛ تا جایی که رهبر معظم انقلاب، سال ۱۴۰۱ را سال «تولید؛ دانش‌بنیان، اشتغال آفرین» نامیدند و اهمیت انکارناپذیر این موضوع را یادآور شدند. اما پیگیری این راهبرد کلان در سال‌های اخیر فراز و فرودهایی داشته‌است.

اولین مساله در باب تحقق اقتصاد دانش‌بنیان این است که اساسا اقتصاد دانش‌بنیان به چه معناست. تعاریف مختلفی از اقتصاد دانش‌بنیان مطرح است که «اقتصاد دانش‌بنیان به مثابه شرکت دانش‌بنیان»، «اقتصاد دانش‌بنیان به مثابه استفاده از فناوری‌های پیشرفته یا اصطلاحاً High tech» و «اقتصاد دانش‌بنیان به مثابه استفاده از دانش برای ارتقای بهره‌وری و رشد اقتصادی» جزو رایج‌ترین آن‌ها است. پس از یافتن پاسخ این پرسش می‌توان در راستای تحقق این رویکرد در اقتصاد کشور گام برداشت. با توجه به حدود یک دهه تجربه پیگیری موضوع دانش‌بنیان در کشور، اکنون می‌توان روند طی شده تاکنون را ارزیابی نمود و بر این اساس، چگونگی اصلاح روندها و فعالیت‌ها و موانع و الزامات موجود را احصا نمود.

به همین منظور اندیشکده اقتصاد مقاومتی با همکاری معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان ملی بهره‌وری ایران و پژوهشکده امور اقتصادی وزارت اقتصاد اقدام به برگزاری سلسله نشست برای بررسی جوانب این موضوع کرد. این سلسله نشست در چارچوب «گفتگوهای مسیر پیشرفت» با حضور مسئولان و کارشناسان مرتبط، طی ۴ نشست در بازه شهریور تا آبان سال ۱۴۰۱ برگزار گردید که

خلاصه‌ای از آن در ادامه آمده‌است.

ارزیابی عملکرد کشور در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان

نشست اول از این سلسله نشست با موضوع «ارزیابی عملکرد کشور در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان» با میزبانی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری برگزار شد. در این نشست محوریت بحث، «ارزیابی زیست‌بوم فعلی دانش‌بنیان در کشور» بود. با این رویکرد سعی شد تا زیست‌بوم فعلی شامل معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، صندوق نوآوری و شکوفایی، صندوق‌های پژوهش و فناوری و خود شرکت‌های دانش‌بنیان مورد بررسی قرار گیرد.

یکی از موضوعات پرداخته شده در این نشست، اهمیت توسعه بازار شرکت‌های دانش‌بنیان در منطقه بود. بازار ۸۰ میلیون نفری کشور برای توسعه اقتصاد دانش‌بنیان کافی نیست و با ایجاد همکاری‌های اقتصادی گسترده در منطقه می‌توان بازار مناسبی برای عرضه تولیدات کشور ایجاد نمود. در این رویکرد، شرکت‌های بزرگ کشور به شرکت‌هایی چندملیتی تبدیل می‌شوند که شعبه اصلی آن‌ها در ایران بوده و سایر شعبشان در کشورهای منطقه است. برای ایجاد همکاری‌های اقتصادی موثر در منطقه لازم است ضمن صادرات فناوری و کالاهای پیشرفته به کشورهای هدف، از آن کشورها مواد اولیه، محصولات کشاورزی و سایر اقلام را وارد نمود تا پیوندهای اقتصادی دوطرفه میان دو کشور ایجاد شود.

همچنین در این نشست مطرح شد که دانش‌بنیان فقط الکترونیک و بیوتکنولوژی و امثالهم نیست. بعضی وقت‌ها از اقتصاد دانش‌بنیان صحبت می‌شود اما تلقی افراد شرکت دانش‌بنیان یا فعالیت دانش‌بنیان است. اقتصاد دانش‌بنیان مفهومی کلان‌تر و کلی‌تر است. رویکرد دانش‌بنیان در همه فعالیت‌ها باید در نظر گرفته شود. حتی برای ساخت یک سریال تلویزیونی، باید مطالعات و تحقیقات لازم انجام شود و ساخت سریال دانش‌بنیان پیش برود. اتخاذ رویکرد دانش‌بنیان در هر فعالیتی، ارتقای کارآمدی و سطح درآمد و بهره‌وری را به

دنبال خواهد داشت.

موضوع دیگری که در این نشست به آن اشاره شد، اهمیت نیروی انسانی کارآمد در راستای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان بود. ایجاد انگیزه و امید برای نیروی انسانی مستلزم طراحی درست نظامات ارزیابی و حقوق و دستمزد و مهمتر از همه، ایجاد زیرساخت‌ها و فرآیندهای لازم است به طوری که نیروی انسانی نتیجه تلاش و نوآوری خود را مشاهده نموده و به ادامه فعالیت در حوزه موردنظر امیدوار شود. در صورت اتخاذ رویکردهای مناسب در این حوزه، امکان جذب نخبگان از خارج از کشور و تامین نیروی انسانی نخبه برای اقتصاد کشور از این طریق نیز وجود دارد.

در ادامه، ساختار نهادی و زیست بوم توسعه اقتصاد دانش‌بنیان به عنوان یکی از مهمترین عوامل تعیین‌کننده کیفیت و کمیت فعالیت دانش‌بنیان مطرح شد. فعالان اقتصادی کشور ناچارند با نهادهای مختلفی همچون سازمان تامین اجتماعی، سازمان امور مالیاتی و... تعامل نمایند. بخش قابل توجهی از چالش‌های فعالان اقتصادی به پرداخت هزینه‌ها و دریافت مجوزهایی از نهادهای ذیربط مربوط است. یکپارچه‌سازی این نظامات و مدیریت آن‌ها توسط دولت می‌تواند این فرآیند را تسهیل کند.

بازتعریف اقتصاد دانش‌بنیان با تمرکز بر مفهوم بهره‌وری

نشست دوم با موضوع «بازتعریف اقتصاد دانش‌بنیان با تمرکز بر مفهوم بهره‌وری» با میزبانی پژوهشکده امور اقتصادی وزارت اقتصاد برگزار شد. شرکت‌کنندگان در این نشست کوشیدند تا ضمن نقد تعاریف موجود، تعریفی نو از اقتصاد دانش‌بنیان ارائه نمایند؛ تعریفی که بر مفهوم بهره‌وری در اقتصاد کشور متمرکز بوده و مرزبندی مشخصی میان رویکرد جامع «اقتصاد دانش‌بنیان» با مفاهیمی همچون شرکت دانش‌بنیان، محصول دانش‌بنیان و فعالیت دانش‌بنیان قائل است.

موضوع اول در این نشست، کمیت گرایی بود و اشاره شد که ما در برخی حوزه‌ها کمیت‌گرا

شده‌ایم؛ مثلاً تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان، تعداد مقالات علمی، تعداد اعضای هیئت علمی و امثالهم در کشور در وضعیت خوبی قرار دارد اما خروجی مطلوب که حل مسائل اقتصادی و تولیدی کشور است حاصل نشده‌است. سرمایه‌گذاری خوبی در حوزه دانش‌بنیان انجام شده اما هنوز نتایج مطلوب بدست نیامده‌است. طبق آمار معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در بازه یک ماهه منتهی به این نشست بیش از ۳۰۰ شرکت به فهرست شرکت‌های دانش‌بنیان اضافه شده‌است. اگر مساله کشور صرفاً افزایش کمی شرکت‌ها بود می‌شد وضعیت فعلی را مطلوب ارزیابی نمود چنان که برخی مسئولین این حوزه نیز با اشاره به این آمارها همین نتیجه را می‌گیرند.

نکته بعدی که مورد اتفاق نظر کارشناسان بود، این بود که اقتصاد دانش‌بنیان، چیزی غیر از خود اقتصاد کشور نیست. این طور نیست که ما یک اقتصاد داشته‌باشیم و اقتصاد دیگری را پایه‌گذاری کنیم که دانش‌بنیان باشد. اقتصاد دانش‌بنیان به معنای دانش‌بنیان شدن اقتصاد است. معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری به تنهایی نمی‌تواند دانش‌بنیان شدن اقتصاد کشور را تحقق بخشد بلکه این اتفاق نیازمند نقش‌آفرینی نهادهای مختلفی اعم از وزارت اقتصاد، بانک مرکزی، بیمه و غیره است. ساختارها و متغیرهای کلان اقتصاد اعم از تورم، نرخ ارز و ... که بر همه بخش‌های تولیدی و صنعتی و خدماتی اثر می‌گذارند، تعیین‌کننده دانش‌بنیان شدن یا نشدن اقتصاد نیز هستند.

براساس تجربه دنیا، در کنار بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی و فضای کسب و کار دولت‌ها مداخلاتی در امور بنگاه‌ها دارند. این مداخلات نیز از جنس برچسب زدن دانش‌بنیان و غیر دانش‌بنیان نیست بلکه از این جنس است که دولت کمک کند تا بنگاه‌ها بتوانند فناوری را کسب کنند. یکی از راه‌های اکتساب فناوری هم منابع خارج از کشور است. پایه فناوری بیش از ۹۵ درصد شرکت‌های دانش‌بنیان کشور ما مهندسی معکوس است. این هم هزینه‌ها را خیلی افزایش می‌دهد هم این که هرگز شرکت مهندسی معکوس کننده به شرکت اصلی تولیدی نمی‌رسد. مساله بعدی که دولت‌ها کمک می‌کنند، انتشار فناوری است تا

سایر شرکت‌ها که این فناوری را ندارند بتوانند از آن استفاده کنند. این جا دولت می‌تواند سیاست‌هایی اتخاذ کند که شرکت‌های بزرگتر بتوانند با اتصال به شرکت‌های کوچک مساله‌شان را حل کنند.

در ادامه نشست به این سوال پرداخته شد که اصلا چرا به دنبال دانش‌بنیان شدن اقتصاد کشور هستیم. یک تصویری در کشور وجود دارد که با تغییر عناوین می‌توان فاصله کشور را با کشورهای پیشرفته کاهش داد. از این رو پس از مطرح شدن موضوع اقتصاد دانش‌بنیان در جهان، این موضوع در ایران نیز دنبال شد بدون این که نگاه دقیقی به آن وجود داشته باشد. در دنیا یک سیر تکاملی تدریجی رخ داده است. در کشورهای توسعه یافته از ابتدا مساله بهره‌وری بوده است. مثلا در ژاپن یک زمانی بهره‌وری از طریق دانش مدیریت، مدیریت فرآیندها و فرهنگ سازمانی ارتقا می‌یافت. بعد از مدتی دیدند که بهره‌وری از طریق روش‌های مرسوم افزایش نمی‌یابد و مفهومی به نام تحقیق و توسعه می‌تواند به افزایش خروجی‌های فناورانه شرکت‌ها کمک کند پس به تدریج فناوری به معنای امروزی مهم شد و این کشور به سمت اقتصاد دانش‌بنیان حرکت کرد. این روند تکاملی دنیا است که از اقتصاد منبع محور به سمت اقتصاد مبتنی بر بهره‌وری حرکت کرده و برای افزایش بهره‌وری به استفاده بیشتر از دانش در بدنه صنعت روی آورده است. دانش و فناوری ابزار افزایش بهره‌وری، سودآوری و رقابت پذیری هستند.

در ادامه مطرح شد که پیش‌نیاز دانش‌بنیان شدن، تدوین سیاست صنعتی است. ماهیت سیاست صنعتی با صنعتی شدن متفاوت است. سیاست صنعتی بر صنایع خاص تمرکز می‌دهد و صنعتی شدن در کل اقتصاد اتفاق می‌افتد. تا زمانی که ندانیم در چه صنعتی می‌خواهیم پیش برویم، چطور می‌خواهیم در آن صنایع دانش فنی را کسب کنیم و بهره‌وری را ارتقا دهیم، حرف از دانش‌بنیان زدن به مفهوم شرکت دانش‌بنیان تقلیل پیدا می‌کند. به علاوه، خود مفهوم شرکت دانش‌بنیان هم نیاز به بازنگری دارد. الان تصور رایج این است که شرکتی دانش‌بنیان است که محصول دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته تولید کند و

در این میان به فرآیندهای مدیریتی و بازاریابی و ... توجهی نمی‌شود.

بسیاری از شرکت‌هایی که می‌خواهیم با آن‌ها درمورد بهره‌وری حرف بزنیم، در الفبای کنترل هزینه‌ها، کنترل کیفیت محصولات و امور عادی شرکت‌داری خودشان هم مانده‌اند. یکی از مداخلاتی که دولت‌ها در جهان می‌کنند، آموزش روش‌های نوین مدیریتی و توانمندسازی شرکت‌ها در راستای کنترل هزینه‌ها و اداره شرکت است. این سیاستگذاری‌های کلان و همچنین مداخلات هوشمند دولت اگر به درستی صورت گیرد می‌توان شاهد دانش‌بنیان شدن کل اقتصاد کشور بود.

برخی از کارشناسان بر این عقیده بودند که با توجه به موضوع چرخه کالا و مزیت‌های نسبی که کشورها در تجارت خارجی برای خود ایجاد می‌کنند، هر مزیت نسبی تا مدتی می‌تواند پیشران تولید و تجارت کشور باشد اما بعد از مدتی جایگزین می‌شود و رقبا مزیت نسبی را بدست خواهند آورد و لذا باید به فکر مزیت نسبی جدید بود. از این رو موضوع «مزیت اکتسابی دانش‌بنیان» مطرح می‌شود تا کشورهایی با حرکت در لبه علم، تجارت و اقتصاد خود را به پیش ببرند. این مهم، مستلزم ارتباط مستمر میان فضای تولید علم یعنی دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی و پژوهشی با بخش‌های تولیدی و کشاورزی و صنعتی است.

تولید ثروت و رفاه و اشتغال به ویژه اشتغال برای افراد با تحصیلات بالا که خیلی گران‌قیمت‌تر است، در اقتصادهای دانش‌بنیان اتفاق می‌افتد. یعنی کشورها با اقتصاد دانش‌بنیان ثروتمند می‌شوند. از این رو باید دقت نمود که شرکت‌های دانش‌بنیان در نهایت قرار است با ایجاد اشتغال، افزایش بهره‌وری و رشد تولید، باری را از دوش اقتصاد بردارند و اگر از این شرکت‌ها حمایتی می‌شود، باید مدت دار و دارای منطق اقتصادی باشد و لازم است از توزیع رانت میان شرکت‌ها خودداری شود. با اقتصاد رانته بهره‌وری ایجاد نمی‌شود.

راهبرد ارتقای بهره‌وری از مسیر دانش‌بنیان شدن اقتصاد کشور

نشست سوم با موضوع «راهبرد ارتقای بهره‌وری از مسیر دانش‌بنیان شدن اقتصاد کشور» با

میزبانی سازمان ملی بهره‌وری ایران برگزار شد. در این نشست سعی شد تا ضمن تاکید بر رابطه مستقیم میان دانش‌بنیان شدن اقتصاد و افزایش بهره‌وری، چگونگی تحقق این امر مورد بررسی قرار گرفته و آرای صاحب‌نظران در این مورد شنیده شود.

در ابتدای این نشست تعریفی از مفهوم بهره‌وری ارائه شد. براساس این تعریف، رشد سیستم‌ها می‌تواند از دو مسیر انجام شود. مسیر اول با تزریق ورودی بیشتر اعم از سرمایه، نیروی انسانی، تجهیزات و... صورت می‌پذیرد، اما در مسیر دوم می‌توان با تولید خروجی بیشتر از منابعی که در اختیار است و بدون تزریق ورودی بیشتر بازده بالاتری را بدست آورد. بهره‌وری در مسیر دوم معنا پیدا می‌کند. به تعبیری بهره‌وری کیفیت رشد اقتصادی را نمایندگی می‌کند.

در ادامه اشاره شد که رشد کمی شرکت‌های دانش‌بنیان، مقالات علمی و سایر موارد مرتبط با علم و فناوری به رشد بهره‌وری منجر نشده چنان که متوسط رشد بهره‌وری طی ده سال اخیر حدود منفی یک درصد بوده‌است. در حالی که هدف تحقق رشد ۲/۸ درصدی در بهره‌وری را داشته‌ایم.

در توضیح دلیل این امر ذکر شد که در کشور بین «دانایی» و «توانایی» شکاف جدی وجود دارد. به این صورت که مقاله علمی زیاد تولید می‌شود ولی مهارت تبدیل آن به محصول و ورود به بازار وجود ندارد. بنابراین ابرمسئله حوزه علم و فناوری در ایران، تبدیل دانش به ثروت یا به بیان دیگر تبدیل دانایی به توانایی است.

دلیل دیگر «عدم رشد ارگانیک» است. به عنوان مثال «سیلیکون ولی» در آمریکا به عنوان بهشت نوآوری دنیا شناخته می‌شود. برخی کشورها به اشتباه تصور کرده‌اند که صرفاً با ایجاد چیزی شبیه به این دره می‌توانند نوآوری را افزایش دهند. مثلاً عربستان، دره ریاض را احداث کرده و خیلی برای آن هزینه کرده ولی در نوآوری موفق نشده‌است. در حالی که مشکل اصلی، نبودن این مکان‌ها نیست بلکه این مکان‌ها به صورت تدریجی و خودجوش پدید آمده و به صورت ارگانیک رشد کرده‌اند. لذا باید یک نگاه زیست بومی به حوزه نوآوری

داشته باشیم و برای بلوغ آن طراحی کنیم. در این مسیر باید بی صبری نداشته باشیم و به فکر دوران بلوغ باشیم که چگونه ایده‌ها به مرحله ارزش در بازار برسند.

در ادامه، کارشناسان به تشریح یکی از موانع اساسی رشد اقتصادی کشور پرداختند. برخی اقتصادها منبع محور هستند که «رشد وابسته به ظرفیت‌های بیرونی» دارند و باید از محل فروش منابع طبیعی، سرمایه‌گذاری خارجی و ... به رشد برسند. در مقابل، برخی اقتصادها دانش محور هستند که «رشد وابسته به ظرفیت‌های درونی» دارند. اقتصاد منبع محور از نظر مقاوم سازی، قابل خدشه است و در شرایطی که با یک تکانه داخلی یا خارجی مواجه شود، مثل اقتصاد ایران که تحریم شد، با مشکل مواجه می‌گردد و از رشد باز می‌ماند. لذا نباید تمام تمرکز در اقتصاد کشور بر منابع و منبع محوری قرار گیرد.

دلیل رشد منفی اقتصاد ایران در ده سال اخیر و نرخ رشد منفی تشکیل سرمایه در شرایط کنونی و کوچکتر شدن مدام اقتصاد ایران منبع محور بودن آن است که در مواجهه با تکانه‌های بیرونی مانند تحریم دچار مشکل شده و ضعیف شده‌است. حال آنکه اگر تمرکز بر اقتصاد دانش محور و رشد بهره‌وری بود، فرصت‌های بسیاری برای کشور پدید می‌آمد و ضربات ناشی از تحریم جبران می‌شد. از این روست که دانش‌بنیان شدن اقتصاد مهم است و این باید منجر به بهره‌وری بشود. در واقع دانش‌بنیانی زمانی ارزشمند است که نتیجه خود را در رشد بهره‌وری نشان دهد.

نکته دیگری که مورد مذاقه کارشناسان قرار گرفت این بود که بخش کمی از شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه‌های راهبردی کار می‌کنند و بیشتر آن‌ها در حوزه خدمات فعال هستند. این‌ها باید هدایت و در مواردی که خلا و شکاف بهره‌وری وجود دارد به کار گرفته شوند.

سازکارهای حمایتی و انگیزشی در راستای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان

نشست چهارم و پایانی، با موضوع «سازکارهای حمایتی و انگیزشی در راستای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان» با میزبانی وزارت امور اقتصادی و دارایی برگزار شد. در این نشست ضمن اشاره

به تعاریف درست و غلط اقتصاد دانش‌بنیان، وضعیت فعلی کشور در حوزه بهره‌وری مورد بررسی قرار گرفت و سعی شد تا به این سوال پاسخ داده شود که با چه سازکارهایی می‌توان زمینه تحقق اقتصاد دانش‌بنیان در کشور را فراهم نمود.

یکی از محورهای مهم مطرح شده در این نشست، تعریف و نگاه درست به اقتصاد دانش‌بنیان بود. تعابیر و تعاریف مختلفی از اقتصاد دانش‌بنیان وجود دارد که به عنوان نمونه می‌توان به تعریف «اقتصاد دانش‌بنیان به مثابه فناوری‌های پیشرفته (High Tech)»، «اقتصاد دانش‌بنیان به مثابه توسعه ICT» و «اقتصاد دانش‌بنیان به مثابه استفاده از دانش برای ارتقای بهره‌وری» اشاره نمود. از این میان به نظر می‌رسد آنچه به عنوان تعریف رایج در اذهان و اقوال سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کشور است، اقتصاد دانش‌بنیان به مثابه HighTech است. در نتیجه‌ی این تعریف خروجی‌های نوآورانه افزایش پیدا می‌کند اما این لزوماً به معنای حل مسائل کشور نیست. تا زمانی که این تعریف در نظر گرفته شود، متولی اقتصاد دانش‌بنیان معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری است. اما اگر تعریف عوض شود و اقتصاد دانش‌بنیان مسیر رسیدن به بهره‌وری و رشد اقتصادی در نظر گرفته شود، متولی آن بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، سازمان امور مالیاتی، وزارت صمت و سایر دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها خواهند بود.

در بخش دیگری از نشست، وضعیت فعلی اقتصاد دانش‌بنیان در کشور بررسی شد. در حال حاضر حدود ۷۵۰۰ شرکت دانش‌بنیان در کشور وجود دارد. در سال ۹۹ درآمد کل شرکت‌ها نزدیک به ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بود که ۸۰ درصد از این درآمد به کمتر از ۵ درصد از این شرکت‌ها مانند مپنا، ماشین سازی اراک و ایرانخودرو مربوط می‌شد. این در شرایطی است که اکثر این شرکت‌های بزرگ و مهم قبل از قانون دانش‌بنیان و شکل‌گیری معاونت علمی وجود داشته و کار فناوری می‌کردند. حتماً سیاست‌های حوزه فناوری باعث بهبود وضعیت این شرکت‌ها شده‌است اما اصل و اساسشان مربوط به قانون دانش‌بنیان نیست. سهم اقتصاد دانش‌بنیان از کل اقتصاد کشور کمتر از ۱ درصد است. همچنین بنابر آمارهای موجود، درآمد

شرکت‌های دانش‌بنیان در چند سال اخیر بدون احتساب تورم و افزایش تعداد شرکت‌ها، رشد معناداری نداشته‌است.

در کشور یک سری سیاست‌های انکوباتوری و گلخانه‌ای اتخاذ شده‌است. بدون توجه به مشکل ترافیک و آب و هوا و آب برای کشاورزی و مسکن و سایر مشکلات اقتصادی، گفته شده است یک سری شرکت جمع شوند و در حوزه‌های ویژه مثل ساخت ماهواره، موشک نقطه‌زن، داروی ضدسرطان و ... فعالیت کنند در حالی که کاری به بقیه اقتصاد نداشته و در پی حل مسائل اقتصاد کشور نیستند.

در ادامه به مدل نادرست و غیربهبینه حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان که تاکنون اجرا شده‌است، اشاره شد. در ۷، ۸ سال گذشته معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان پرداختی داشته؛ اما قاعده مشخصی برای توزیع این پول وجود نداشته‌است. یک منطق رفاقتی، سلیقه‌ای و احساسی در معاونت علمی حاکم بوده‌است که به چه کسی، کجا و با چه قاعده‌ای کمک شود. این نوع حمایت بدون ضابطه و بدون قاعده تبعات بدی دارد. مهم‌ترین پیامدش این است که انگیزه‌ها را می‌کشد و پیش‌بینی پذیری را از افراد می‌گیرد. حمایت‌های ما در این حوزه به صورت رانتی و بدون منطق اقتصادی انجام شده‌است. ما خیلی جاها به کسی که نیاز به پول سرمایه‌گذاری داشته‌است وام داده‌ایم. یعنی کسی که باید براساس یک منطق اقتصادی برای کارش سرمایه‌گذار پیدا می‌کرده به راحتی وام قرض الحسنه گرفته‌است.

موضوع دیگری که در این نشست مورد تاکید قرار گرفت، نقش بروکراسی زدایی و ریل‌گذاری معاونت علمی و لزوم نقش آفرینی همه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مسئول برای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان بود. کشور برای دوره گذار که بتواند به نقطه‌ای که بقیه کشورها حرکت می‌کنند برسد و در پیشانی‌های این حرکت قرار بگیرد به مجموعه‌ای که از بروکراسی خودش را خلاص کرده‌باشد نیاز دارد. معاونت علمی تا جایی که بتواند بروکراسی‌ها را بشکند باید سردمدار اقتصاد دانش‌بنیان باشد. اگر توانست بروکراسی‌ها را

بشکند و ریل‌گذاری را تکمیل و حرکت در ریل را تسهیل کند باید حرکت در این ریل به وزارتخانه‌های مربوطه محول شود و از آن جا به بعد می‌توان حکمرانی را به حکمرانی منظم برگرداند و بار معاونت علمی را سبک نمود تا به سمت گشودن کارهای جدید، مرزهای جدید و ستادی تر عمل کردن برود.

همچنین اقتصاد دانش‌بنیان اقتصاد شرکت‌های کوچک و ایجاد فضای رشد انکوباتوری و گلخانه‌ای برای آن‌ها نیست. به همین دلیل در قانون جهش تولید دانش‌بنیان به شرکت‌های بزرگ یا کوچک غیر دانش‌بنیان ولی با کارکرد دانش پایه توجه شده است. یعنی اگر شرکتی علاقمند بود در افزایش بهره‌وری خودش به سراغ تحقیق و توسعه برود و هزینه کند حتی اگر دانش‌بنیان نباشد می‌تواند از مشوق‌هایی که در اقتصاد برایش در نظر گرفته شده است استفاده کند. این به معنای تلاش برای خارج نمودن اقتصاد دانش‌بنیان از حالت انکوباتوری است که در حال حاضر ضروری به نظر می‌رسد. اما سوئیچ کردن از مدل انکوباتوری و اقتصاد دانش‌بنیان به مثابه‌های تک، به مدل نظام حکمرانی اصلی کشور که در آن اقتصاد دانش‌بنیان توسط وزارت اقتصاد و بانک مرکزی و سایر دستگاه‌ها محقق شود، فرآیندی آرام و تدریجی است. برای این سوئیچ کردن و تغییر ریل باید بلوغی حاصل شود. تولید در کشور باید آنقدر سودده باشد که برای تولیدکننده رغبت ایجاد کند.

یکی دیگر از آسیب‌ها و موانع تحقق اقتصاد دانش‌بنیان که بسیاری از سازکارهای حمایتی را نیز بی‌اثر می‌کند، چیزی است که می‌توان آن را «دولت متناقض» دانست. در ادبیات اقتصادی یک سری وظایف کلاسیک برای دولت تعریف می‌شود. مانند تضمین حقوق مالکیت، ایجاد شفافیت، کمک به توسعه زیرساخت، سرمایه‌گذاری در آموزش و مواردی از این دست. اما ایجاد سازکارهای حمایتی اعم از حمایت مالی و معافیت مالیاتی و ... در حوزه وظایف مدرن دولت جای می‌گیرد. در توسعه سیاست‌های اقتصادی ایران در حوزه دانش‌بنیان وظایف کلاسیک دولت رها شده و در عوض به وظایف مدرن توجه شده است.

فهرست مطالب

گزارش نشست‌های تخصصی

نشست ارزیابی عملکرد کشور در حوزه اقتصاد دانش بنیان.....	۱۸
نشست بازتعریف اقتصاد دانش بنیان با تمرکز بر مفهوم بهره وری.....	۳۱
نشست راهبرد ارتقای بهره وری از مسیر دانش بنیان شدن اقتصاد کشور.....	۴۲
نشست سازکارهای حمایتی و انگیزشی در راستای تحقق اقتصاد دانش بنیان.....	۵۶
گزارش تصویری	۷۵

گزارش نشست‌های تخصصی



نشست ارزیابی عملکرد کشور در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان

معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری

نشست اول از سلسله نشست تخصصی اقتصاد دانش‌بنیان؛ چستی، موانع و الزامات با موضوع «ارزیابی عملکرد کشور در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان» ۷ شهریورماه در معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری برگزار شد. این سلسله نشست‌ها در چارچوب «گفتگوهای مسیر پیشرفت» اندیشکده اقتصاد مقاومتی برگزار می‌شود.

در این نشست آقایان صابر میرزایی معاون پژوهشی مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست جمهوری، سروش قاضی نوری رئیس مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور و سید سعید منجم زاده معاون مرکز شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری حضور داشتند.

تحریم‌ها باعث توجه بیشتر به شرکت‌های دانش‌بنیان شد

در ابتدای نشست صابر میرزایی معاون پژوهشی مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست جمهوری گفت: اقتصاد دانش‌بنیان در مراحل اولیه خودش است و شرایط کشور که تحریم‌هایی به آن تحمیل شد و بیشترین تحریم‌ها مربوط به بخش‌ها و صنایع و تجهیزات پیشرفته بود، موجب توجه به شرکت‌های دانش‌بنیان شد و از آن جا که شرکت‌های دانش‌بنیان نیازمند یک زیست بوم هستند در ادامه موضوع شرکت‌های دانش‌بنیان، بحث وسیع‌تری به نام اقتصاد دانش‌بنیان مطرح می‌شود.

وی ادامه داد: اقتصادها انوعی دارند. برخی اقتصادها برپایه منابع هستند. یعنی براساس زمین و معدن و ... پیش می‌روند. اما در برخی اقتصادها شرایط پیشرفت صنعتی از این مرحله عبور می‌کند و در پی صنعتی شدن، مزیت‌ها بر این اساس است که بتوان کالاهای بهتر و ارزان تر و رقابتی تر تولید کرد که در این جا بحث بهره‌وری مطرح می‌شود. هرچه بهره‌وری بیشتر باشد اقتصاد رقابتی تر است.

میرزایی افزود: اقتصادها ممکن است در تله‌هایی نیز گرفتار شوند مانند تله دستمزدهای پایین یا تله دستمزدهای متوسط که با وجود رشد بهره‌وری، جایی می‌رسد که دیگر نمی‌توان دستمزدها را افزایش داد. راه خروج از این تله‌ها ورود به بحث نوآوری و استفاده از فناوری پیشرفته است که نیازمند استفاده از دانش است.

دانش‌بنیان شدن اقتصاد، عامل افزایش رفاه اقتصادی است

معاون پژوهشی مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست جمهوری با بیان این که در صورتی که اقتصادی بتواند وارد مرحله دانش‌بنیان شود می‌توان امیدوار بود که رفاه بیشتری را تأمین کند، گفت: اقتصاد ایران این طور نیست که مرحله مبتنی بر منابع را سپری کرده و به اقتصاد مبتنی بر دانش و بهره‌وری رسیده‌باشد بلکه براساس شرایط تاریخی و بین‌المللی



خاصی لازم است کشور به سمت استفاده از دانش و فناوری پیشرفته حرکت نماید. آینده کشور از این مسیر می‌گذرد. اقتصاد دانش‌بنیان نیازمند الزاماتی است؛ همچون نظام بانکی که بتواند از فعالیت دانش‌بنیان پشتیبانی کند، نظام حقوقی و مالکیت معنوی، الزامات اداری و ... در کشور ما وزارتخانه‌ها نقش تنظیم‌گری را داشته‌اند و مجوزها را صادر می‌کردند. اما این دستگاه‌ها الآن پشتیبان اقتصاد دانش‌بنیان محسوب نمی‌شوند. اساسا دستگاه‌هایی که باید به محصولات نوآورانه مجوز بدهند صلاحیت و تخصص این کار را ندارند.

بازار ۸۰ میلیونی کشور برای توسعه اقتصاد دانش‌بنیان کافی نیست

میرزایی تصریح کرد: خروج از این محیط نیازمند تعامل و همکاری همه نهادها و دستگاه‌های مختلف است. شرکت‌های بزرگ دانش‌بنیان ما نیازمند توسعه بازار هستند. بازار ۸۰ میلیونی کشور برای شرکت‌های بزرگ کافی نیست. ما باید سیاست‌های منطقه‌ای را پیاده‌سازی کنیم که بتوان به کمک بازار کشورهای منطقه اقتصاد دانش‌بنیان را توسعه داد. به لحاظ تامین مالی و مسائل اعتباری نیز باید زیرساخت‌های لازم در منطقه ایجاد شود. شرکت‌های دانش‌بنیان به این منظور باید شرکت‌های چندملیتی شوند که شعبه اصلی (هدکورت) آن‌ها در ایران و سایر شعبشان در کشورهای همسایه باشد. باید برای جذب نخبگان خارجی مشوق‌ها و تمهیدات ویژه‌ای داشته باشیم. این نیازمند تغییرات قابل توجهی در نظام آموزشی است.

وی خاطرنشان کرد: لازم است نظام آموزشی و وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی باهم همکاری داشته باشند. به عنوان مثال اگر قرار باشد صنعت ایران پیشرفت کند حتما باید ماشین‌سازی پیشرفت کند. اما وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های ذیربط با واردات ماشین آلات و ایجاد شرایط غیررقابتی جلوی پیشرفت ماشین‌سازی را می‌گیرند. در کنار این‌ها باید تمهیداتی بیندیشیم که شرکت‌های دروغین نتوانند به اسم دانش‌بنیان خود را مطرح کرده و از تسهیلات موردنظر استفاده کنند.

عامل استقلال کشور اقتصاد دانش بنیان است

معاون پژوهشی مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست جمهوری ادامه داد: عامل استقلال کشور اقتصاد دانش بنیان است چراکه نقطه وابستگی کشور نیز همین نقطه بوده است. کشورها از سه نقطه وابسته می‌شوند؛ یا وابستگی در حوزه تامین مواد غذایی که ما منابع غنی داریم و می‌توانیم روی پای خودمان بایستیم، یا در تامین انرژی که در این حوزه نیز کشور ما چه از جهت نفت و گاز و چه انرژی‌های تجدیدپذیر غنی است. نقطه ضعف و آسیب ما کالاهای انسان ساخته بود آن هم نه همه بخش‌ها بلکه بخش‌های پیشرفته. کشور ما هرآنچه که توسط شرکت‌های کوچک و با سرمایه اندک قابل پی ریزی بوده به دست آورده و پیشرفت کرده است. رسیده‌ایم به شرایطی که باید تصمیمات بزرگ و اصولی بگیریم. اقتصاد ما زمانی می‌تواند با اقتصاد منطقه پیوند بخورد که نیازهای منطقه را با فناوری‌های پیشرفته خودمان تامین کنیم و نیازهای خودمان را با کالاها و صنایعی که در کشورهای دیگر هست برطرف کنیم که چه بسا خودمان در آن‌ها سرمایه گذاری کرده باشیم.

وی خاطرنشان کرد: اقتصاد دانش بنیان را باید از بقیه بخش‌ها جدا در نظر گرفت و اقتضائات خاص آن را رعایت کرد. تعمیم قواعد کلی اقتصاد کشور به بخش دانش بنیان آسیب‌های جدی برای این بخش دارد. به عنوان مثال اگر گفته شود حقوق کارمندان در کشور از حدی نباید بیشتر شود، این در بخش دانش بنیان مانعی جدی ایجاد می‌کند و شاهد خروج بسیاری از کیفی ترین دانش آموختگان از کشور خواهیم بود. بخش دانش بنیان را باید از قوانین معاف کنیم و به آن‌ها آزادی عمل بدهیم. اگر نمی‌توانیم برای کل کشور شرایط را فراهم کنیم، حداقل برای بخش دانش بنیان باید کریدور ویژه‌ای چه در بخش گمرک، چه در مساله سرمایه گذاری و مسائل مختلفشان ایجاد کنیم.



نیاز به مدیریتی منسجم در سطح بالای کشور داریم

وی افزود: ما انجمنی داریم تحت عنوان انجمن ماشین سازان ایران که در سال ۱۳۳۳ تأسیس شده است. یعنی کشور در آن سال آنقدر ماشین ساز داشته که انجمنی در این رابطه تشکیل شده است. اما الآن چقدر ماشین ساز داریم؟ پس برای چه مهندس مکانیک و کنترل و ... تربیت می کنیم اگر نمی خواهیم صنعت ماشین سازی داشته باشیم؟ دانشگاه های ما گویی ساخته شده اند برای این که دانشجوی لیسانس تربیت کنند. همه امکانات و آزمایشگاه ها و شرایط دانشگاه ها مثل هم است. نباید این طور باشد. یک دانشگاه باید در حوزه الکترونیک تمرکز داشته باشد، یک دانشگاه در حوزه قدرت و ... بین دانشکده های فنی و دانشکده فیزیک و امثالهم نیز باید ارتباطات جدی وجود داشته باشد در حالی که الآن چنین نیست.

میرزایی ادامه داد: پولی که کشور ما برای بیوتکنولوژی و نانوفناوری هزینه کرد تقریباً هیچ است. در مقیاس ملت ایران تقریباً هیچ است. در این دو عرصه پیشاهنگ کل جهان اسلام و جهان در حال توسعه هستیم. در دنیا که بحث واکسن مطرح شد در آمریکا ۲ شرکت بزرگ واکسن ساختند اما در ایران ۸ شرکت اقدام به این کار کردند که واکسن های آن ها نیز به تولید رسید و یک مورد نیز در راه است. پتانسیل فنی در ایران بالاست اما به لحاظ مدیریت منسجم مشکل داریم. ما نیاز به یک مدیریت منسجم در سطح بالا داریم. ۵۰ سال پیش کشور ایران تصمیم گرفت الکترونیک را پیش ببرد. دانشکده الکترونیک، صندوق الکترونیک، کارخانه الکترونیک و امثالهم ایجاد شد اما چون مدیریت منسجمی وجود نداشت به جایی نرسید.

دانش بنیان فقط الکترونیک و بیوتکنولوژی نیست

وی خاطرنشان کرد: برای بخش دانش بنیان اگر منابع تخصیص نمی یابد حداقل لازم است شرایط تسهیل شود. الآن یک شرکت دانش بنیان اگر بخواهد کارهایی را برون سپاری کند باید مالیات و حق بیمه بدهد با این که حق بیمه کارکنان خود را نیز داده است. این یعنی

هیچ شرکتی کاری را برون سپاری نکند. معاونت علمی باید این مساله را حل کند که ابزاری به جز گفتگو و اصرار و خواهش ندارد. باید ابزار قدرتی داشته باشد. بنده از روندی که سیاستگذار در کشور دارد جلو می برد ناراضی هستم اما روند پیشرفت استعدادهای کشور معجزه است. بدون سرمایه گذاری زیاد این همه خروجی واقعا عالی است. در هیچ عرصه ای نبوده که سرمایه گذاری تا این حد بازده داشته باشد. در صنایع نانو امسال انتظار می رود مالیات بر ارزش افزوده ای که شرکتها در ازای فروش محصولاتشان به دولت می پردازند به ۱ میلیارد دلار برسد. این بخش بالنده است پس ما باید وارد عرصه های بزرگ شویم. ما معاونت علمی را ضعیف نگه داشته ایم چه از نظر منابع و چه از نظر جایگاه. جایگاه معاونت علمی معاون رئیس جمهور است اما در واقع هماهنگ کننده و قانع کننده عوامل فعال دیگر است. کشور در سیاستگذاری کلان خوب عمل نکرده و موفقیت های حاصله به دلیل تحریم و رشد استعدادهای است.

وی تصریح کرد: دانش بنیان فقط الکترونیک و بیوتکنولوژی نیست. هر چیزی باید دانش بنیان شود. به این صورت شاهد ارتقای بهره وری، درآمدها و در کل کارآمدی خواهیم بود. ما در دانش بنیان مقلدیم. کجا ما توانسته ایم دانش و فناوری صادر کنیم؟ اغلب پتنت های ما هم مثل پتنت های خارجی است. دست از تقلید برداریم. نخبه افغانی و پاکستانی هم باید در دانشگاه ایران درس بخواند و کار علمی کند، در حالی که ما زندگی دانشجوی خودمان را هم تامین نمی کنیم و مجبور می شوند از کشور خارج شوند تا هم در رشته دلخواه خود تحصیل کنند هم حداقل زندگی شان بگذرد. کشور از نظر سیاستگذاری های کلان خوب عمل نکرده و اگر به جایی هم رسیده به دلیل رشد استعدادهای و شرایط تحریمی بوده است.

ایفای نقش لوکوموتیو در اقتصاد جهانی با ایجاد شرکت های چندملیتی

وی ادامه داد: ما به شرکتها گفتیم اگر درحوزه ورزش فعالیت کنید از مالیات معاف می شوید ولی هیچ وقت به آنها نگفتیم که اگر دانشگاه تاسیس کنید از مالیات معاف می شوید. لذا



حتی شرکت‌هایی که هیچ نیازی به تبلیغات و دیده شدن هم نداشتند تیم فوتبال ایجاد کردند. وزارت علوم بگوید هرکس دانشگاه می‌سازد باید من نظارت علمی داشته‌باشم و تاییدش کنم، نه این که فقط خودش دانشگاه بسازد. باید به علوم و فناوری جهت دهد که نه می‌کند و نه می‌تواند. اسمش را هم گذاشته‌است علوم، تحقیقات و فناوری که هیچ کدام نیست، فقط آموزش عالی است. درمورد تامین اجتماعی هم در نهایت که قرار است بار مالی آن روی دوش دولت بیفتد، از همین الآن بدهیم به دولت که جلوی رشد نقدینگی و پایه پولی را هم بگیریم. در نهایت که سازمان تامین اجتماعی قرار است ورشکست شود و بار مالی آن روی دوش دولت بیفتد. وزیر قبلی از بانک رفاه پول گرفت و حقوق بازنشسته‌ها را داد. این باعث رشد نقدینگی و پایه پولی و در نهایت تورم می‌شود. تامین اجتماعی را تعطیل کنیم به نفع کشور است.

وی افزود: درمورد فرصت بازارهای بین المللی، ما قصد نداریم واگن آخر یک قطار زنجیره جهانی باشیم. ما می‌خواهیم با ایجاد شرکت‌های دانش بنیان منطقه‌ای چندملیتی، لوکوموتیو باشیم. لوکوموتیو قطاری که واگن‌هایش در کشورهای منطقه باشند. هزار راه نیز برای توسعه تجارت خارجی وجود دارد. لاقط موانع خودساخته را از جلوی پای دانش بنیان‌ها برداریم. حرف درستی است که همه جای کشور دانش بنیان عمل کنند اما الآن که دستگاه‌های دیگر غیر از معاونت علمی کاری نمی‌کنند حداقل یک لاین ویژه برای دانش بنیان‌ها ایجاد کنیم.

میرزایی در پایان گفت: اگر تسهیلات بدهیم کشتی ساخته می‌شود و فروش می‌رود و گرنه ناوگان دریایی خودمان از کشورهای کشتی می‌خرند که پولش را بعداً قسطی به لیزینگ‌های آن‌ها بدهند. در هواپیمایی و سایر صنایع هم همین طور. ما باید به وظایفمان آشنا شویم و درست عمل کنیم و یک فرمول ساده پیدا نکنیم که به جامعه جهانی ببیونیدیم و مسائل حل شود.

تحقق اقتصاد دانش بنیان در داخل مرزهای ایران شدنی نیست

در ادامه نشست سروش قاضی نوری رئیس مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور با بیان این که محور اقتصاد دانش بنیان شرکت های رقابت پذیر و نوآور است نه لزوماً شرکت های استارتاپی، گفت: محور اقتصاد دانش بنیان شرکتی است که واقعا در بازار هست، دارد رقابت می کند و کسب درآمدش از محل نوآوری و دانش بنیان است. وقتی صحبت از اقتصاد دانش بنیان در چین و کره و آمریکا به میان می آید ذهن ها نه به سمت استارتاپ های کوچک می رود و نه به سمت دولت ها. بلکه به سمت چند شرکت بزرگ می رود که بازار را در دست گرفته اند و رقابت می کنند و ارزش افزوده قابل توجهی تولید می کنند. اما فعالیت این شرکت ها الزاماتی دارد. در واقع دو بازو باید داشته باشد؛ یک بازو علم و فناوری و تحقیقات و سرمایه گذاری در این بخش است و دیگری بحث بازارها و شبکه های بین المللی است. تصور این که اقتصاد دانش بنیان درون مرزهای ایران شدنی است غلط است. اما فقط بازار نیست. باید در شبکه های بین المللی بود. حضور در زنجیره ها و شبکه های بین المللی هم ما را در معرض پیشرفت های علم و فناوری قرار می دهد و هم مکمل های مورد نیاز را برای ما فراهم می کند و هم منجر به کسب بازارهای بین المللی می شود. سه عنصر اصلی یعنی شرکت رقابت پذیر نوآور، فناوری و تحقیقات و بازارهای بین المللی نیاز به منابعی هم دارند که هم این منابع آن عناصر را تقویت می کنند و هم بالعکس. مهم ترین منابع در حوزه دانش بنیان منابع انسانی است که هم سازنده نظام تحقیقاتی هستند و هم در همان نظام تحقیقاتی ایجاد و تربیت می شوند.

دانش و نوآوری، قوه محرکه اصلی اقتصاد دانش بنیان

وی افزود: اگر از اقتصاد دانش بنیان حرف می زنیم منظورمان چند شرکت دانش بنیان که به دلیل شرایط تحریمی در برهه هایی توانسته اند مشکلات مهم ما را حل کنند و نقش چسب زخم داشته باشند، نیست. ما بدون وجود این ها واقعا دچار مشکل می شدیم. ولی بحث



ما اقتصادی است که قوه محرکه اصلی آن دانش و نوآوری است. اگر به برخی روندها و حوزه‌های سازنده توجه نکنیم و شرایط تحریمی تغییر کند به زودی ممکن است به اقتصاد کاملاً منبع محور برگردیم. به ۴ حوزه باید توجه شود:

۱. همکاری‌های بین‌المللی؛ نباید از آرمان‌هایمان کوتاه بیاییم اما هر روزی که در تحریم به سر می‌بریم هزینه زیادی برای کشور دارد. بسیاری از شرکت‌ها مجبور می‌شوند از ایران بروند. ما سال‌ها کار کردیم و مرغ لاین تولید کردیم اما نمی‌توانیم مرغدار را مجبور کنیم از ما مرغ لاین بخرد. مساله بذر هم همین‌طور است. کشاورز می‌خواهد بهترین بذر را استفاده کند. بدون بازارهای بین‌المللی نمی‌توانیم در این بخش‌ها نتیجه بگیریم. محصولات دانش‌بنیان نیاز به بازارهای جهانی دارند لذا کشور با حفظ آرمان‌ها باید به سمت این ورود که مسائل بین‌المللی حل شود.

۲. تحقیقات؛ دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های ما کپی‌همدیگر هستند و با این روند از دل آن‌ها حل مساله رخ نمی‌دهد. با این وجود اگر همه این‌ها حل شود تا به بخش تحقیقات منابع تزیق نکنیم مشکل حل نمی‌شود. بودجه تحقیقاتی ما از ۵/۰ درصد تا نهایتاً حدود ۱ درصد که معاونت علمی اعلام کرده، بوده‌است. هر محققى که در ۱۰، ۲۰ سال گذشته در ایران کار کرده‌باشد معتقد است سفره تحقیقات کوچک شده و وضع تحقیقات بدتر شده‌است.

۳. نیروی انسانی؛ مهم‌ترین مساله نیروی انسانی که از دست‌مزد هم مهم‌تر است، داشتن چشم‌انداز و امید است. کشور باید در هر عرصه‌ای اعم از انتظامی، قضایی و ... که چشم‌انداز و امید نیروی انسانی را هدف گرفته با این عوامل مقابله کند. باید کاری کنیم که فرد چشم‌انداز و امید داشته‌باشد. وقتی فرد ببیند جذب هیئت علمی براساس شایستگی است، امیدوار می‌شود. الآن نه دانشجویان دکتری، بلکه حتی دانش‌آموزان ما که در کنکور شرکت می‌کنند بعضاً به فکر خروج از کشور هستند. این مساله را معاونت علمی نمی‌تواند حل کند بلکه یک عزم ملی می‌خواهد.

۴. قواعد بازی؛ نظام مالیات و تامین اجتماعی که ایجاد کردیم، نه تنها شرکت‌های دانش‌بنیان

بلکه همه شرکت‌ها را گرفتار کرده‌است. یک بار تامین اجتماعی پول می‌گیرد، یک بار مالیات و وصول درآمدهای دولت باید متمرکز شود. چه در بخش دانش‌بنیان چه بقیه بخش‌ها. خود دولت همه هزینه‌های لازم را از شرکت‌ها بگیرد و به مالیات و تامین اجتماعی اختصاص دهد. مدام نرویم سراغ شرکت‌ها. در شرایطی که دورکاری در دنیا مرسوم است، نرویم سراغ شرکت‌ها که چرا فلان کارمندت سر کار نیست. درحوزه سیاستگذاری ما تلاش‌هایی کرده‌ایم، قانون جهش تولید دانش‌بنیان تصویب کرده‌ایم و اقداماتی انجام شده‌است. اما منطقی رقابت باید دانش‌بنیانی شود. مزیت باید در نوآوری دیده شود.

مزیت رقابتی تولیدکنندگان بزرگ باید دانش‌بنیان بودن باشد

قاضی نوری ادامه داد: چندین سال پیش و قبل از آن که اولین VC ها در کشور ایجاد شود، چندین سرمایه‌گذار ایرانی خارج از کشور را به ایران آوردیم برای بازدید و سرمایه‌گذاری در حوزه مسکن. یکی از آن‌ها می‌گفت تا وقتی که بساز و بفروش در ایران اینقدر سود دارد چرا من باید درحوزه نوآوری‌های مسکن سرمایه‌گذاری کنم؟ و این فرد واقعا همین کار را کرد و سرمایه خود را به بخش بساز و بفروش آورد.

وی تصریح کرد: اقتصاد دانش‌بنیان سیاستگذاری دانش‌بنیان می‌خواهد. ما چندین سال روی موضوع مالیات شرکت‌های دانش‌بنیان کار کردیم و به معاونت علمی گفتیم به جای معافیت مالیاتی روی اسم شرکت‌ها، برای فعالیتهای تحقیق و توسعه بودجه درنظر بگیرید. بعد قانون تصویب شد که ۱۰۰ درصد بودجه تحقیق و توسعه توسط دولت تامین شود. قانون را طوری نوشتیم که مشخصا نمی‌توانیم عمل کنیم. هیچ جای دنیا بیش از ۳۰، ۴۰ درصد اعتبار مالیاتی نمی‌دهند. اقتصاد دانش‌بنیان سیاستگذاری دانش‌بنیان می‌خواهد و باید منطق داشته‌باشد نه این که هرچه درصد حمایت را بالاتر ببریم بهتر باشد.

وی افزود: نگاه گلخانه‌ای هم خوب است و دستاوردهایی هم داشته‌است اما اگر نتوانیم این گلخانه‌ها را به کل اقتصاد تعمیم و تسری دهیم در بلندمدت دچار مشکل می‌شویم. مزیت



رقابتی تولیدکنندگان بزرگ باید دانش‌بنیان بودن باشد. صنایع بزرگ ما الآن اصلاً احساس نیاز به موضوعات دانش‌بنیان و نوآوری نمی‌کنند. مدیران ما نیازی به نوآوری ندارند بلکه باید به جاهای دیگری پول بدهند و تعاملاتی ایجاد کنند که در پست خود باقی بمانند.

امیدآفرینی برای جوانان، پیش‌نیاز مهم تحقق اقتصاد دانش‌بنیان است

رئیس مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور گفت: چشم انداز و امیدآفرینی و انگیزه دهی به نخبگان و نسل جوان خیلی مهم است. چنان که در ژاپن کارتون فوتبالیست‌ها می‌سازند برای این که نسل‌های بعد فوتبالیست‌های خوبی شوند یا در ایران ظاهراً چندی پیش سریالی با مضمون کشتی پخش می‌شد که می‌گفتند در آن زمان کفش و دوبنده کشتی بچه گانه در بازار کمیاب شده بود آنقدر که بچه‌ها می‌خریدند و علاقمند شده بودند. از این جا باید شروع کرد و نباید گذاشت این انگیزه از بین برود. الآن چقدر از دانش آموزان ما می‌خواهند فوتبالیست شوند و چقدر از آن‌ها می‌خواهند دانشمند شوند؟ ۲۰ سال پیش وضع چطور بود؟ اگر مساله تبلیغات و چشم انداز را واگذار کنیم، برای لوکوموتیو اقتصاد دانش‌بنیان راننده‌ای نخواهیم داشت. این امیدآفرینی را از سطوح پایه و دانش آموزان باید پیگیری کنیم تا دانشجو و استاد و ...

اقتصاد دانش‌بنیان مفهومی فراتر از شرکت دانش‌بنیان است

در ادامه نشست سید سعید منجم زاده معاون مرکز شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری گفت: ما امروز در برهه‌ای از زمان قرار داریم که بیش از یک دهه است که مفاهیم مرتبط با اقتصاد دانش‌بنیان در کشور مطرح شده‌است. در دهه ۸۰ اقتصاد دانش‌بنیان به عنوان یک پارادایم جدید که می‌تواند به توسعه اقتصادی کشور کمک کند مطرح شد. اقتصاد دانش‌بنیان به عنوان شعار سال توسط رهبر انقلاب مطرح شده‌است به عنوان راهبردی که می‌تواند به توسعه اقتصادی کشور منجر شود. بعضی وقت‌ها ما در

مورد اقتصاد دانش بنیان صحبت می کنیم اما تلقی ما شرکت دانش بنیان یا فعالیت دانش بنیان است اما اقتصاد دانش بنیان مفهومی کلان تر و کلی تر است.

وی افزود: ما سال ها فریب اعداد و ارقام را می خوردیم و به آمارهای آموزش عالی که نگاه می کردیم می دیدیم که رشد کمی فوق العاده ای داشته است اما وقتی واقعا نگاه می کنیم نیروی انسانی کیفی که بتواند فعالیت تحقیق و توسعه انجام دهد نداریم کما این که دیده می شود شرکت ها همواره به دنبال نیروی کارآمد هستند ولی در این حوزه چالش هایی جدی دارند.

منجم زاده افزود: در سفر استانی که به کرمان داشتیم برخی مسئولین دانشگاه کرمان می گفتند در همان گلخانه ای که ما خیار پرورش می دهیم همکاران برای کارهای تحقیقاتی و ویروس تکثیر می کند و بسیاری از ویروس هایی که پخش شده از همین محیط های دانشگاهی بوده است؛ چراکه زیرساخت های اولیه برای توسعه و تحقیقات ایجاد نشده است.

زیست بوم پیچیده و چند وجهی دانش بنیان در کشور

وی ادامه داد: بخش زیادی از مسائل حوزه دانش بنیان بر می گردد به فضا و زیست بومی که شرکت ها در آن فعالیت می کنند. جایی که مساله پیچیده و چندوجهی می شود و با اکوسیستمی مواجهیم که در آن تامین اجتماعی و وزارتخانه ها و دستگاه های مختلف وجود دارند. اخیرا شورایی در قانون جهش تولید دانش بنیان ایجاد شده است و کمک می کند که یک مقدار هم افزایی ها شکل بگیرد.

وی تصریح کرد: در یکی از مدارس در مناطق نسبتا بالای تهران در بین دانش آموزان ابتدایی پرسشی مطرح شد در مورد شغل آینده؛ از بین ۳۰ دانش آموز تنها یک نفر می خواست دندان پزشک شود و سایرین به مشاغلی غیر مرتبط با علم و دانش علاقمند بودند. این مساله سال ها پیش این طور نبود.



منجم زاده افزود: دستگاه‌های ما صرفاً متولی ارائه خدمت نیستند. وزارت نیرو نباید صرفاً متولی برق رسانی و آبرسانی باشد. باید به اندازه توانایی خودش متولی توسعه فناوری و نوآوری در این حوزه هم باشد. اگر نگاه همه دستگاه‌ها صرفاً ارائه خدمات باشد واقعاً با تلاش امثال معاونت علمی و شورای عالی عتف اتفاقی نمی‌افتد.



نشست بازتعریف اقتصاد دانش بنیان با تمرکز بر مفهوم بهره‌وری

پژوهشکده امور اقتصادی وزارت اقتصاد

نشست دوم از سلسله نشست تخصصی اقتصاد دانش بنیان؛ چستی، موانع و الزامات با موضوع «بازتعریف اقتصاد دانش بنیان با تمرکز بر مفهوم بهره‌وری» ۳۰ شهریورماه در پژوهشکده امور اقتصادی وزارت اقتصاد برگزار شد.

در این نشست آقایان محمدجواد توکلی رئیس پژوهشکده امور اقتصادی وزارت اقتصاد، علیرضا باباخان مدیرعامل صندوق پژوهش و فناوری استان البرز، سپهر قاضی نوری استاد تمام سیاستگذاری علم و فناوری دانشگاه تربیت مدرس و محمدمهدی تاجیک کارشناس اندیشکده اقتصاد مقاومتی حضور داشتند.

با افزایش کمی شرکت‌ها، اقتصاد دانش بنیان نمی‌شود

در ابتدای نشست محمدمهدی تاجیک کارشناس اندیشکده اقتصاد مقاومتی گفت: در



اندیشکده اقتصاد مقاومتی تمرکزمان بر بررسی و حل مسائل اساسی اقتصاد کشور با رویکرد اقتصاد مقاومتی است. ذیل این گفتمان به این نتیجه رسیدیم که با ایجاد فضای گفتگو میان کارشناسان و صاحب نظران می شود به سمت حل کردن بسیاری از مسائل اقتصادی کشور حرکت نمود. لذا به عنوان «گفتگوهای مسیر پیشرفت» رسیدیم که دو سه سالی است ذیل آن رویدادهایی همچون کرسی های آزاداندیشی، گعده دانشجویی و سلسله نشست های تخصصی را برگزار می کنیم. در سلسله نشست «اقتصاد دانش بنیان؛ چپستی، موانع و الزامات» که جلسه امروز یکی از نشست های آن است، سعی داریم به ابعاد گوناگون موضوع اقتصاد دانش بنیان بپردازیم.

وی ادامه داد: آنچه امروز در کشور دیده می شود، اقتصاد دانش بنیان صرفا به مثابه چند شرکت دانش بنیان یا صرفا تمرکز بر حوزه های دارای فناوری پیشرفته (High Tech) بوده است. یکی از رویکردهای مهمی که توسط مقام معظم رهبری نیز مورد تاکید قرار گرفته است و توسط برخی کارشناسان دنبال می شود، اقتصاد دانش بنیان به مثابه ارتقای بهره وری است. درواقع با این تعبیر، در هر حوزه ای که می گوئیم دانش بنیان عمل شود، یعنی قرار است بهره وری در آن بخش افزایش یابد. به بیان دیگر درآمدها افزایش و هزینه ها کاهش یابد تا صرفه اقتصادی آن حوزه بالاتر رود.

تاجیک با بیان این که آنچه ما در حال حاضر در صحنه اقتصاد دانش بنیان داریم تنها بخشی از اقتصاد دانش بنیان است، گفت: درواقع تعداد زیادی شرکت دانش بنیان در کشور وجود دارد و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری به عنوان متولی اقتصاد دانش بنیان در کشور مطرح است اما اقتصاد ما هنوز دانش بنیان نشده است. براساس آمارهای معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، حدود یک ماه پیش از برگزاری این نشست، ۷۰۶۴ شرکت دانش بنیان در کشور ثبت شده بود در حالی که این تعداد امروز به ۷۳۸۳ شرکت رسیده است. ۳۱۹ شرکت در یک ماه گذشته به فهرست شرکت های دانش بنیان اضافه شده اند. اگر مساله ما افزایش کمی شرکت ها بود، همان طور که برخی مسئولین این حوزه نیز مدعی هستند،

ما امروز وضعیت خوبی داشتیم و می توانستیم امیدوار باشیم که با ادامه همین روند اقتصاد کشور دانش بنیان می شود. اما آن طور که به نظر می رسد و بسیاری از کارشناسان می گویند مساله این نیست. قرار است اقتصاد کشور دانش بنیان شود نه این که صرفا تعدادی شرکت دانش بنیان در یک زیست بوم گلخانه ای ایجاد شده و رشد یابند. با توجه به نکاتی که عرض شد، ضروری به نظر می رسد که با توجه به این تلقی جدید و تمرکز بر مفهوم بهره وری، به نوعی اقتصاد دانش بنیان را بازتعریف نماییم.

خروجی های حوزه دانش بنیان با ورودی ها تناسب ندارد

در ادامه محمدجواد توکلی رئیس پژوهشکده امور اقتصادی وزارت اقتصاد گفت: در چند دهه گذشته یکی از کلیدواژه های تکراری در برنامه های توسعه این بوده است که می خواستیم بخش زیادی از رشد اقتصادی کشور را از ناحیه افزایش بهره وری داشته باشیم ولی معمولا این هدف تحقق پیدا نکرده و به یک کلیشه در برنامه های توسعه تبدیل شده است. در این سال ها مقام معظم رهبری نیز تاکیدات ویژه ای بر موضوع اقتصاد دانش بنیان و همچنین افزایش بهره وری داشته اند و سرمایه گذاری های قابل توجهی نیز در این حوزه انجام شده است. زیرساخت های اقتصاد دانش بنیان ایجاد شده است، دانشگاه ها را ایجاد کردیم، نیروی انسانی زیادی در این زیست بوم پرورش یافت و رتبه های بسیار خوبی نیز در حوزه تعداد مهندسان، انتشار مقالات ISI و ... کسب نمودیم. اما خروجی که انتظار می رفته حاصل نشده است.

وی ادامه داد: به عنوان مثال سرمایه گذاری سنگینی که ما در بحث آموزش عالی انجام دادیم، خروجی آن باید به صنعت، کشاورزی و خدمات سرریز می شد و رشد اقتصادی را بهبود می داد اما این اتفاق نیفتاده است. شاید به همین دلیل است که در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی نیز مساله دانش بنیان بودن به عنوان یکی از مولفه های اصلی اقتصاد مقاومتی مورد تاکید قرار گرفته است. درواقع تکرار موضوع اقتصاد دانش بنیان و بهره وری در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و برنامه های توسعه نشان دهنده اهمیت زیاد این دو موضوع است.



اما آنچه مهم است و باید مورد تاکید قرار گیرد این است که چرا اقتصاد دانش بنیان تحقق نمی یابد یا روند آن خیلی کند است.

عبور از اقتصاد منبع محور با ایجاد مزیت اکتسابی دانش بنیان

وی در تشریح دلیل دانش بنیان نشدن اقتصاد کشور تاکنون، گفت: در ادبیات تجارت خارجی در دوران معاصر موضوعی تحت عنوان چرخه کالا مطرح می شود، هر کالایی در دوران اقتصاد مدرن یک چرخه ای دارد. مثلاً در دهه ۹۰ ژاپن حدود ۲ میلیارد دلار در بحث نیمه رساناها سرمایه گذاری کرد و شرکت های آمریکایی را از ورود به این حوزه نهی نمود و با یک پیوست فرهنگ سازی رسانه ای که برای این موضوع در نظر گرفته شد، خروجی آن فلش مموری هایی شد که ما الآن استفاده می کنیم. خود آن ها گفتند که وقتی چنین مزیتی برای ژاپن ایجاد شد این یک مدت و تاریخ انقضائی دارد و به سرعت چین و جاهای دیگر این مزیت را از ژاپن می گیرند و درواقع این مزیت نسبی از بین می رود. این جا بود که مزیت اکتسابی دانش بنیان مطرح شد. گفتند کشوری در رشد و توسعه موفق است که بتواند یک مزیت داشته باشد اما مزیت اکتسابی، نه مزیت مبتنی بر منابع که مثلاً مبتنی بر نفت یا معادن است. دانش بنیان هم به عنوان قید دوم به آن اضافه شد. یعنی مزیتی که اولاً اکتسابی باشد و ثانیاً مبتنی بر دانش باشد. لذا با توجه به این بحث چرخه کالا می گویند شما باید یک مزیت نسبی ایجاد کنید، ۴، ۵ سال از آن استفاده کنید سپس آن را از دست خواهید داد. لذا باید بروید در لبه علم و فناوری و در مرز دانش مزیت نسبی جدید ایجاد نموده و در چرخه کالا از آن استفاده کنید و همین طور جلو بروید.

وی تصریح کرد: اقتصاد دانش بنیان کمک می کند که مزیت اکتسابی دانش بنیان و چرخه کالا شکل بگیرد و شکل گرفتن این مزیت اکتسابی یعنی ارتباط مستمری بین فضای تولید دانش یعنی دانشگاه و مراکز آموزشی و پژوهشی با صنعت و کشاورزی و بخش های تولیدی باید ایجاد شود و در این فضا به صورت پویا و زنده و مرتب بتوانیم در چرخه کالا جلو برویم.

توکی با بیان این که شاید ما در خیلی از حوزه ها کمیت گرا شده ایم، گفت: تعداد شرکت ها، تعداد دانشگاه ها و تعداد مقالات علمی زیاد شده اما خروجی مطلوبی حاصل نشده است؛ مثلاً کیفیت خودروهای ساخت داخل ما خوب نیست. شاخصی وجود دارد به نام شاخص کار شایسته؛ این شاخص ترکیبی از سه شاخص ورودی، فرایند و نتیجه است. می گویند کشورها در یک موردی سرمایه گذاری می کنند، فرآیندهایشان را اصلاح می کنند و خروجی می گیرند. درواقع کشوری موفق است که سرمایه گذاری هایش به نتیجه رسیده باشد. به همین دلیل در این شاخص، وزنی که به شاخص های ورودی می دهند یک سوم است و بقیه وزن مربوط به فرایند و خروجی است. ما سرمایه گذاری خوبی در بحث دانش بنیان انجام دادیم، یعنی ورودی ها زیاد شده است. تعداد شرکت های دانش بنیان، حجم سرمایه گذاری در این حوزه، تعداد مقالات و ... افزایش یافته است اما فرایند اتصال تولید و دانش، شکل نگرفته و خروجی هم خیلی ملموس حاصل نشده است.

فرهنگ دانش بنیان، بعضاً از قوانین هم مهم تر است

وی افزود: این که چرا این اتفاق نیفتاده است، بخشی از آن به دلیل قوانین و مقررات است اما اگر یک نگاه نهادی داشته باشیم بخش قابل توجهی از این مساله را باید بگذاریم به عهده فرهنگ. یعنی فرهنگی که باید برای دانش بنیان شدن اقتصاد کشور شکل بگیرد بعضاً حتی از قوانین مهم تر است. این فرهنگ اهمیت بسیاری دارد. شاید این یک ظرفیت و فرصت است که نسل قبلی ما آرزوی دست نیافته ای دارد که خودشان تحصیل نکرده اند و دوست دارند فرزندانشان تحصیل کنند. اما این ظرفیت تا برسد به جایی که به صنعت، کشاورزی و تولید گره بخورد دچار شکاف و خلل قابل توجهی است.

رئیس پژوهشکده امور اقتصادی گفت: یک کارهایی در بحث قانون انجام شده است. در همین قانون جهش تولید دانش بنیان، بندی وجود دارد که براساس آن شرکت ها می توانند به میزانی که در بحث دانش هزینه می کنند تخفیف مالیاتی بگیرند. درواقع به عنوان مالیات



مقطوعشان محاسبه شود. حتی ما در پژوهشکده امور اقتصادی به فکر این هستیم که شاید بتوانیم بخشی از پروژه‌های پژوهشی که انجام می‌دهیم و برای آن‌ها کمبود منابع داریم را از این محل تامین مالی کنیم. اقدام مثبت دیگری که شاید بتوان به آن اشاره کرد بحث تسهیل فضای کسب و کار است که در حال پیگیری است.

توکی خاطرنشان کرد: به نظر می‌رسد اقتصاد دانش‌بنیان با تمرکز بر مفهوم بهره‌وری راه نرفته طولانی است که اصلاح فرهنگی و قانونی می‌خواهد، زیرساخت‌هایش باید اصلاح شود و به طور کلی مسیری ضروری است. اما برای تسریع آن، شاید همین فضاهای تحریم ظرفیتی باشد که ما بتوانیم به سمت استفاده از این ظرفیت‌ها برویم. ما یک جاهایی مثلاً در صنایع نظامی موفق بوده‌ایم. اما در خودروسازی موفق نبوده‌ایم. جای سوال دارد که چرا این اتفاق افتاده است. تحلیل من این است که یک بخشش فرهنگ سازمانی است که مثلاً نهادهایی که در آن حوزه وارد شده‌اند فرهنگ جهادی در آن‌ها حاکم بوده که توانسته‌اند کار را جلو ببرند، شاید فاصله گرفتن از نظام بروکراتیک دانشگاهی مدل ارتقای اساتید در دانشگاه باشد. این مدلی که به طور مکانیکی استادیار به دانشیار، استاد و ... ارتقا می‌یابد بدون این که مشخص شود فرد چه مشکلی از مشکلات کشور را حل کرده است. باید دید همان کسی که موشک تولید می‌کند چرا از پس تولید خودرو بر نمی‌آید. شاید بحث نیروی انسانی است، شاید بحث بودجه باشد، شاید بروکراسی باشد. به هر حال این موضوع مهمی است که اگر به برنامه هفتم هم گره بخورد خیلی خوب است و ضروری است که با توجه به چالش‌هایی که در درآمدهای کشور داریم به سمت اقتصاد دانش‌بنیان و افزایش بهره‌وری حرکت نماییم. باید فاصله میان صنعت و دانشگاه را کاهش داد و برویم به سمت این که اقتصاد کشور از نفت و مزیت طبیعی مبتنی بر خام فروشی فاصله بگیرد و به سمت نوعی مزیت اکتسابی دانش‌بنیان برود.

اعطای رانت به شرکت‌های دانش بنیان به بهره‌وری منتج نمی‌شود

در بخش دیگری از نشست سپهر قاضی نوری استاد تمام سیاستگذاری علم و فناوری دانشگاه تربیت مدرس با طرح این سوال که آیا مشکل مسکن و اشتغال در وزارت راه و شهرسازی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی حل می‌شود، گفت: خیر. مشکل مسکن و اشتغال در وزارت اقتصاد و بانک مرکزی حل می‌شود چون منابع مالی دست آن‌هاست. اشتغال هم همین طور است. اقتصاد دانش بنیان هم همین است. این طور نیست که ما یک اقتصاد داریم. حالا می‌رویم یک اقتصاد دانش بنیان هم ایجاد می‌کنیم. چنین چیزی شدنی نیست. مگر می‌شود که کشوری دو اقتصاد داشته‌باشد؟ اقتصاد دانش بنیان عبارت از دانش بنیان شدن اقتصاد است. متغیرهای کلان اقتصاد تعیین کننده وضعیت اقتصاد دانش بنیان هستند. اسناد بالادستی دانش بنیان شدن اقتصاد، سیاست‌های کلان اقتصاد مثل نرخ تورم، نرخ ارز، قانون مالیات، بیمه، قانون کار و ... است. این‌ها کل اقتصاد را تعیین می‌کند و دانش بنیان بودن اقتصاد را هم تعیین می‌کنند. در کنار این‌ها معاونت علمی و امثالهم هم شاید در حد ۲۰ درصد می‌توانند این مساله را تسهیل کنند. خیلی باید روی این تاکید کنیم که این نگاهی که ما داریم که معاونت علمی بخواهد اقتصاد دانش بنیان را راه بیندازد نگاه درستی نیست. ما یک اقتصاد بیشتر نداریم؛ یا دانش بنیان می‌شود یا نمی‌شود.

وی ادامه داد: ما کارهایی را می‌کنیم که در هیچ کجای دنیا انجام نشده‌است و لذا با مشکلاتی مواجه می‌شویم که مختص ماست. آیا به ذهن هیچ کشوری نرسیده‌بود که تعدادی از شرکت‌هایش را جدا کند و به آن‌ها برچسب دانش بنیانی بزند و با قوانین و روندهای متفاوت آن‌ها را اداره کند؟ و بگوید این شرکت‌ها قوانین بیمه و مالیات و ... در موردشان متفاوت است. در دنیا چیزی به نام شرکت دانش بنیان وجود ندارد. فرض بر این است که هر شرکتی براساس یک دانشی فعالیت می‌کند. این که یک سری شرکت را به اسم دانش بنیان جدا کنیم و بخواهیم آن‌ها را جداگانه اداره کنیم و یک رانت بزرگی به آن‌ها بدهیم در حالی که بعضا رقیب همین شرکت به هر دلیلی برچسب دانش بنیانی را نگرفته و



از این مزایا بهره مند نمی‌شود، این می‌شود اقتصاد رانتی. با اقتصاد رانتی بهره‌وری ایجاد نمی‌شود.

شرکت‌های دانش‌بنیان باید باری را از دوش اقتصاد بردارند

قاضی نوری با طرح این سوال که اصلاً ما چرا به دنبال اقتصاد دانش‌بنیان هستیم، گفت: تولید ثروت و رفاه و اشتغال به ویژه اشتغال برای افراد با تحصیلات بالا که خیلی گران‌قیمت‌تر است، در شرکت‌ها و اقتصادهای دانش‌بنیان اتفاق می‌افتد. یعنی کشورها با اقتصاد دانش‌بنیان ثروتمند می‌شوند. با کاشت یونجه و کاهو نمی‌توان ثروتمند شد. حال اگر قرار است از بخش‌های معمولی بیمه و مالیات و ... بگیریم و از شرکت دانش‌بنیان این‌ها را بگیریم و یک پولی هم به آن بدهیم چه فایده‌ای دارد؟ ما می‌خواستیم این شرکت‌ها باری را از دوش اقتصاد بردارند نه این که باری بر دوش دولت شوند.

وی افزود: بهره‌وری ما در خود سیاست و هزینه‌هایی که در حوزه دانش‌بنیان کردیم چقدر است؟ غیر از بودجه‌هایی که دستگاه‌های دیگر در حوزه دانش‌بنیان هزینه کرده‌اند، معاونت علمی به عنوان متولی اصلی مساله دانش‌بنیان چند منبع داشته‌است:

- بودجه خود معاونت علمی
- بودجه صندوق نوآوری و شکوفایی
- کمک‌های ارزی صندوق توسعه ملی به معاونت علمی
- معافیت‌های مالیاتی شرکت‌ها

چرا نحوه تخصیص این بودجه‌ها نباید منتشر شود؟ اصلاً مشخص نیست برای چه کاری چه مقدار و به چه کسی کمک شده‌است. همین‌هاست که فساد و عدم بهره‌وری ایجاد می‌کند. بهره‌وری و رقابت و ... در فضای شفافیت اتفاق می‌افتد.

وی خاطرنشان کرد: شرکت‌های دانش‌بنیان عمدتاً تبدیل به کارمندان دولت شده‌اند و با

تغییر معاون علمی نیز نمی‌شود به این شرکت‌ها پول نداد. اگر حمایت‌های دولت برداشته شود بیش از ۹۰ درصد شرکت‌های دانش‌بنیان نمی‌توانند دوام بیاورند. این شرکت‌ها وابسته به اقتصاد نیستند بلکه وابسته به دولت‌اند. بهره‌وری از جنس درآمدزایی است. تا وقتی که نگاه ما به شرکت‌های دانش‌بنیان این است که پول بدهیم و اتفاقی بیفتد اتفاقی رخ نخواهد داد و شرکت‌های دانش‌بنیان به اقتصاد وصل نمی‌شوند. الان می‌گویند شرکت‌های دانش‌بنیان نمی‌توانند مطالباتشان را بگیرند. چرا؟ چون مشتری این شرکت‌ها بخش واقعی اقتصاد نیست، مشتری شرکت‌ها دولت است که پول ندارد. ما بیش از نیاز به شرکت دانش‌بنیان، نیاز به توسعه بازار دانش‌بنیان داریم.

دانش و فناوری ابزار افزایش بهره‌وری، سودآوری و رقابت‌پذیری

در ادامه نشست علیرضا باباخان مدیرعامل صندوق پژوهش و فناوری استان البرز با طرح این سوال که ما چطور به این رسیدیم که باید بر دانش‌بنیان شدن اقتصاد کشور تاکید کنیم، گفت: پس از گران شدن نفت در سال ۵۳ و ۵۴، یک عقب‌ماندگی در کشور احساس کردیم و برای جبران عقب‌ماندگی سیاست‌های مختلفی در کشور اتخاذ شد. یک زمانی شرکت‌های بزرگ مدنظر قرار گرفتند، بعد شرکت‌های کوچک، سپس بنگاه‌های زودبازده و ... این حرکات‌های مختلف نشان می‌دهد که همواره کار شتابزده‌ای برای کاهش فاصله کشور با کشورهای توسعه‌یافته مدنظر سیاست‌گذاران بوده و همیشه این تصور وجود داشته‌است که ما اگر عناوین را اصلاح کنیم می‌توانیم این عقب‌ماندگی را کاهش دهیم. در نهایت به این رسیدیم که الان دنیا دارد می‌رود به سمت اقتصاد نوآور و دانش‌بنیان پس ما هم باید همین مسیر را برویم تا مثل آن‌ها شویم.

وی ادامه داد: اما در دنیا یک سیر تکاملی تدریجی رخ داده‌است. در کشورهای توسعه‌یافته از ابتدا مساله بهره‌وری بوده‌است. مثلاً در ژاپن یک زمانی بهره‌وری از طریق دانش مدیریت، مدیریت فرآیندها و فرهنگ سازمانی ارتقا می‌یافت. بعد از مدتی دیدند که بهره‌وری از طریق



مکانیزم‌های مرسوم افزایش نمی‌یابد و مفهومی به نام تحقیق و توسعه می‌تواند به افزایش خروجی‌های فناورانه شرکت‌ها کمک کند پس به تدریج فناوری به معنای امروزی مهم شد و این کشور به سمت اقتصاد دانش‌بنیان حرکت کرد. این روند تکاملی دنیا است که از اقتصاد منبع محور به سمت اقتصاد مبتنی بر بهره‌وری حرکت کرده و برای افزایش بهره‌وری به استفاده بیشتر از دانش در بدنه صنعت روی آورده‌است. دانش و فناوری ابزار افزایش بهره‌وری، سودآوری و رقابت پذیری هستند.

مداخلات درست دولت، زمینه‌ساز دانش‌بنیان شدن اقتصاد

وی افزود: براساس تجربه دنیا، در کنار بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی و فضای کسب و کار، دولت‌ها یک سری مداخلاتی در امور بنگاه‌ها دارند. این مداخلات نیز از جنس برچسب زدن دانش‌بنیان و غیر دانش‌بنیان نیست. از این جنس است که دولت کمک کند که بنگاه‌ها بتوانند فناوری را کسب کنند. یکی از راه‌های اکتساب فناوری هم منابع خارج از کشور است. باباخان خاطرنشان کرد: پایه فناوری بیش از ۹۵ درصد شرکت‌های دانش‌بنیان ما مهندسی معکوس بوده‌است. این هم هزینه‌ها را خیلی افزایش می‌دهد هم این که هرگز شرکت مهندسی معکوس کننده به شرکت اصلی تولیدی نمی‌رسد. مساله بعدی که دولت‌ها کمک می‌کنند، انتشار فناوری است تا سایر شرکت‌ها که این فناوری را ندارند بتوانند از آن استفاده کنند. این جا دولت می‌تواند سیاست‌هایی اتخاذ کند که شرکت‌های بزرگتر بتوانند با اتصال به شرکت‌های کوچک مساله‌شان را حل کنند.

مدیرعامل صندوق پژوهش و فناوری استان البرز ادامه داد: بسیاری از شرکت‌هایی که می‌خواهیم با آن‌ها درمورد بهره‌وری حرف بزنیم، در الفبای کنترل هزینه‌ها، کنترل کیفیت محصولات و امور عادی شرکت‌داری خودشان هم مانده‌اند. در همین شرکت‌ها یک محصول که سال‌ها روی آن کار شده را به اسم دانش‌بنیان ثبت می‌کنند و شرکت، دانش‌بنیان می‌شود در حالی که سال‌ها با یک شرکت بهره‌ور و دانش‌بنیان به معنای واقعی فاصله دارد. یکی از

مداخلاتی که دولت‌ها در جهان می‌کنند، آموزش روش‌های نوین مدیریتی و توانمندسازی شرکت‌ها در راستای کنترل هزینه‌ها و اداره شرکت است. این سیاستگذاری‌های کلان و همچنین مداخلات هوشمند دولت اگر به درستی صورت گیرد می‌توان امیدوار بود که واقعا اقتصاد دانش بنیان تحقق یابد.

پیش نیاز دانش بنیان شدن، تدوین سیاست صنعتی است

باباخان خاطرنشان کرد: دو نهاد کمترین نقش آفرینی را در حوزه بهره‌وری دارند. یکی سازمان ملی بهره‌وری است که فکر می‌کنم بیشتر دارد برای گزارش سالانه سازمان بهره‌وری آسیایی (APO) داده جمع می‌کند. یکی هم سازمان ملی استاندارد که در خیلی حوزه‌های جدید که وارد می‌شویم می‌بینیم که سازمان ملی استاندارد عقب است و نقش آفرینی خاصی در این موضوع انجام نمی‌دهد.

وی تصریح کرد: پیش نیاز دانش بنیان شدن، تدوین سیاست صنعتی است. تا زمانی که ندانیم در چه صنعتی می‌خواهیم پیش برویم، چطور می‌خواهیم در آن صنایع فناوری را کسب کنیم و بهره‌وری را ارتقا دهیم، حرف از دانش بنیان زدن به مفهوم شرکت دانش بنیان تقلیل پیدا می‌کند. خود شرکت دانش بنیان هم نیاز به بازنگری دارد. الآن ما فکر می‌کنیم شرکتی دانش بنیان است که محصول دانش بنیان و دارای فناوری پیشرفته تولید کند و به فرآیندهای مدیریتی و بازاریابی و ... هیچ کاری نداریم. پس حداقل اگر قرار است صرفا در بحث شرکت دانش بنیان بمانیم، با وزن دادن به مولفه‌های مدیریتی گامی رو به جلو در راستای حرکت به سمت بهره‌وری برداریم.



نشست راهبرد ارتقای بهره‌وری از مسیر دانش‌بنیان شدن اقتصاد کشور

سازمان ملی بهره‌وری ایران

نشست سوم از سلسله نشست تخصصی اقتصاد دانش‌بنیان؛ چپستی، موانع و الزامات با موضوع «راهبرد ارتقای بهره‌وری از مسیر دانش‌بنیان شدن اقتصاد کشور» ۲۵ مهرماه در سازمان ملی بهره‌وری ایران برگزار شد.

در این نشست آقایان میرسامان پیشوایی رئیس سازمان ملی بهره‌وری ایران، محمد امینی رعیا مدیر اندیشکده اقتصاد مقاومتی، کریم زاهدی معاون فناوری، نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و عبدالله صوفی عضو هیئت علمی دانشگاه ویسکانسین آمریکا و استاد سیاست صنعتی (مجازی) حضور داشتند.

متوسط رشد بهره‌وری طی ۱۰ سال گذشته منفی بوده‌است

در ابتدای نشست میرسامان پیشوایی رئیس سازمان ملی بهره‌وری ایران گفت: رشد و

پیشرفت سیستم‌ها می‌تواند از دو مسیر انجام شود. مسیر اول با تزریق ورودی بیشتر اعم از سرمایه، نیروی انسانی، تجهیزات و ... صورت می‌پذیرد، اما در مسیر دوم می‌توان با تولید خروجی بیشتر از منابعی که در اختیار است و بدون تزریق ورودی بیشتر بازده بالاتری گرفت. پس ما دو مسیر اصلی داریم؛ یکی این که از طریق افزایش ورودی‌ها کمیت را افزایش دهیم که منجر به رشد شود و دیگری این که از طریق روش‌هایی با بهینه‌سازی به بازده بالاتری برسیم. بهره‌وری در مسیر دوم معنا پیدا می‌کند و به اصطلاح، بهره‌وری کیفیت رشد اقتصادی را نمایندگی می‌کند.

وی در ادامه با اشاره به چگونگی رشد بهره‌وری گفت: رشد بهره‌وری چهار ریشه دارد که عبارت از تدبیر، نوآوری، همکاری و رقابت است. در این نشست در رابطه با نوآوری و دانش‌بنیانی صحبت می‌شود. اولاً نوآوری با خلاقیت تفاوت دارد. وقتی گفته می‌شود کسی خلاق است یعنی قدرت خلق دارد و می‌تواند با ذهن و قدرت انتزاع خودش یک مفهوم جدید یا کالای جدید را در ذهن بیوراند. اما نوآوری لزوماً به این معنا نیست. نوآوری به معنای توانایی تبدیل یک ایده به یک محصول موفق در بازار است. ممکن است فردی نوآور باشد اما خلاق نباشد و برعکس. در تاریخ هم زیاد داشته‌ایم. به عنوان مثال مخترع جاروبرقی خودش نتوانست از آن پول در آورد و فرد دیگری با استفاده از ایده وی، یکی از برندهای معروف جاروبرقی را تولید کرده و راهی بازار نمود. خلاقیت هم مهم است اما آنچه در عمل بهره‌وری را افزایش می‌دهد نوآوری است. یعنی بتوان یک ایده را به مرحله‌ای رساند که خلق ارزش (Value) انجام شود.

هدف از دانش بنیان شدن اقتصاد کشور، رشد بهره‌وری است

پیشوایی افزود: در پیام نوروزی امسال رهبر معظم انقلاب، هدف از دانش بنیان شدن اقتصاد کشور، رشد بهره‌وری بیان شده‌است. ما در کشور به لحاظ رشد تعداد شرکت‌های دانش بنیان وضعیت خوبی داریم و عددی که توسط دوستان معاونت علمی ذکر می‌شود عدد خوبی



است. اما آیا این رشد بالا به افزایش بهره‌وری منجر شده‌است؟ ظاهراً خیلی در این امر موفق نبوده‌ایم. متوسط رشد بهره‌وری کشور طی ده سال اخیر با شاخص بهره‌وری کل (TFP) حدود منفی یک درصد بوده‌است. در حالی که بنا بر هدفگذاری ما قرار بوده‌است ۲/۸ درصد از رشد ۸ درصدی اقتصاد، از محل ارتقای بهره‌وری محقق شود. البته دو سال است که بهره‌وری مثبت بوده‌است که انشاءالله شروع اتفاق خوبی در کشور باشد. ما شاخصی در دنیا داریم که کشورها را از نظر تولید اسناد علمی و درواقع مقالات نمایه شده بین‌المللی بررسی و رتبه‌بندی می‌کند. در این شاخص حدود ۱۵ سال پیش رتبه ما در دنیا حدود ۱۰۰ بوده و الآن ۱۶ است. پس رشد خوبی داشته‌ایم. حتی در سال‌هایی ما بیشترین مقدار رشد را در دنیا داشته‌ایم. گزارش دیگری نیز در دنیا منتشر می‌شود به نام شاخص نوآوری جهانی (GII). در آن گزارش هم حدود ۱۰ سال پیش رتبه ما ۱۰۶ بود. امسال رتبه ما به ۵۳ رسیده‌است. در سال گذشته نیز از ۶۰ به ۵۳ رسیده‌ایم.

تبدیل دانش به ثروت، ابرمسئله حوزه اقتصاد دانش‌بنیان در ایران

رئیس سازمان ملی بهره‌وری ادامه داد: در سه گام تولید اسناد علمی، ایجاد محصول موفق در بازار (نوآوری) و بهره‌وری، ما به ترتیب وضعیت نامطلوب‌تری پیدا می‌کنیم. یعنی درحوزه تولید اسناد علمی، در جهان رتبه شانزدهم را داریم که باعث افتخار است. در حوزه نوآوری رتبه ۵۳ را داریم و به بحث بهره‌وری که می‌رسد وضعیت خیلی بدتر می‌شود. گویی در زنجیره ارزش توسعه هرچه جلو می‌رویم وضعیت بدتر می‌شود و ما خام‌فروشی می‌کنیم.

وی با اشاره به شکاف بین تولید اسناد علمی و نوآوری گفت: بخشی از شکاف به وجود آمده ناشی از تاخیر و زمان بر بودن اقدامات است که طبیعی است. اما موضوع مهم دیگر این است که اساساً در کشور بین «دانایی» و «توانایی» شکاف جدی وجود دارد. به این صورت که مقاله علمی زیاد تولید می‌شود، تحصیلات تکمیلی زیاد شده‌است، اعضای هیئت علمی زیاد شده‌اند ولی مهارت تبدیل آن و ورود به بازار و صنعت وجود ندارد. مثلاً در همین شاخص

نوآوری جهانی که ما وضعیت خوبی داریم، وضعیت پیچیدگی بازار و پیچیدگی کسب و کار در کشور خوب نیست. مثلاً رتبه ایران در معیار پیچیدگی کسب و کار از بین ۱۳۶ کشور، ۱۱۵ است. همچنین یکی از مهمترین چالش‌هایی که در بحث نوآوری وجود دارد موضوع جمعیت است. نرخ ورودی به دانشگاه‌ها منفی شده‌است و راهکار کوتاه‌مدتی هم ندارد. این مساله اهمیت بهره‌وری در حوزه نوآوری را یادآور می‌شود که باید با نیروی انسانی کمتر کار را انجام داد. بنابراین ابرمسئله حوزه علم و فناوری در ایران، تبدیل دانش به ثروت یا همان تبدیل دانایی به توانایی است.

باید نگاه زیست بومی به نوآوری داشت و برای بلوغ آن طراحی نمود

پیشوایی با اشاره به اینکه شکاف دومی هم وجود دارد که باعث شده‌است نوآوری به بهره‌وری منجر نشود، گفت: منطقاً باید با افزایش نوآوری، بهره‌وری افزایش یابد اما در برخی مواقع این نتیجه اتفاق نیفتاده و این مسئله به دلیل عدم وجود رشد ارگانیک بوده‌است. به عنوان مثال «سیلیکون ولی» در آمریکا به عنوان دره‌ای (شهرکی) موفق در نوآوری و اصطلاحاً بهشت نوآوری دنیا شناخته می‌شود. برخی کشورها به اشتباه خیال کرده‌اند که صرفاً با ایجاد چیزی شبیه به این دره می‌توانند نوآوری را افزایش دهند. مثلاً عربستان، دره ریاض را احداث کرده و خیلی برای آن هزینه کرده ولی در نوآوری موفق نشده‌است. مشکل اصلی، نبودن این مکان‌ها نیست بلکه این مکان‌ها به صورت تدریجی و خودجوش پدید آمده و به صورت ارگانیک رشد کرده‌است. لذا باید یک نگاه زیست بومی به حوزه نوآوری داشته باشیم و برای بلوغ آن طراحی کنیم. در این مسیر باید بی صبری نداشته باشیم و به فکر دوران بلوغ باشیم که چگونه ایده‌ها به مرحله ارزش در بازار برسند.

«اقتصاد دانش بنیان» مبتنی بر ظرفیت‌های درونی رشد می‌کند

در بخش دیگری از نشست، محمد امینی رعیان مدیر اندیشکده اقتصاد مقاومتی، اقتصاد



منبع محور و دانش محور را دو نوع رویکرد اقتصادی موجود در کشورها دانست و گفت: برخی از اقتصادها «رشد وابسته به ظرفیت‌های درونی» دارند که اقتصادهای دانش‌بنیان هستند و برخی که منبع محور هستند، «رشد وابسته به ظرفیت‌های بیرونی» دارند و باید از محل فروش منابع طبیعی، سرمایه گذاری خارجی و ... به رشد برسند.

امینی رعیا گفت: از هر دو روش باید برای رشد اقتصاد استفاده کرد و تمام ظرفیت‌ها را به کار گرفت، اما باید دانست که اقتصاد منبع محور از نظر مقاوم سازی، قابل خدشه است و در شرایطی که با یک تکانه داخلی یا خارجی مواجه می‌شود، مثل اقتصاد ایران که تحریم شد، دچار مشکل شده و از رشد باز می‌ماند. لذا نباید تمام تمرکز بر منابع و منبع محوری قرار گیرد.

منبع محوری، دلیل نرخ منفی تشکیل سرمایه در کشور

مدیر اندیشکده اقتصاد مقاومتی گفت: دلیل اینکه اقتصاد ایران در ده سال اخیر رشد منفی داشته و نرخ تشکیل سرمایه نیز در حال حاضر در ایران منفی است و اقتصاد کشور در حال کوچکتر شدن است، همین مسئله است. نرخ تشکیل سرمایه منفی یعنی سرمایه جدیدی در اقتصاد شکل نمی‌گیرد که باعث رشد اقتصادی شود. اقتصاد کشور عمدتاً منبع محور بوده و در مواجهه با تکانه‌های بیرونی مانند تحریم دچار مشکل شده و راهبرد آن نیز تنها همین بوده‌است که مجدداً به اقتصاد منبع محور باز گردد. از این رو اقتصاد کشور ضعیف و کوچک شده‌است. اقتصاد منبع محور در مواجهه با تکانه‌های بیرونی شروع به کوچک و ضعیف شدن می‌کند. در مقابل آن، اقتصادی که رشد آن متکی به درون است قرار دارد و اقتصاد دانش‌بنیان در این حوزه تعریف می‌شود. اقتصاد دانش‌بنیان یعنی همین ورودی که وارد اقتصاد می‌شود را بهره‌ور تر نماییم و خروجی بیشتری از آن بگیریم. اگر تمرکز بر اقتصاد دانش محور و رشد بهره‌وری بود، فرصت‌های بسیاری برای کشور پدید می‌آمد و ضربات ناشی از تحریم جبران می‌شد. در واقع دانش‌بنیانی زمانی ارزشمند است که نتیجه خود را در

رشد بهره‌وری نشان دهد.

وی ادامه داد: در واقع دانش بنیان شدن باید در عمل خود را نشان دهد. رشد شکلی اقتصاد کشورها خیلی مضر است. در کتاب «اقتصاد سیاسی ایران» نوشته دکتر کاتوزیان آمده است که اقتصاد ایران در دوره پهلوی دچار شبه مدرنیسم بود. یعنی از نظر شکلی کارهایی انجام می‌شد اما زیرساخت‌ها و سازکارهای نرم و نهادهایی که منجر به رشد و پیشرفت پایدار کشورها می‌شود، ایجاد نمی‌شد. در نتیجه هزینه‌های زیادی انجام می‌شد اما این به پیشرفت و رشد پایدار کشور منجر نمی‌شد. در اقتصاد دانش بنیان هم نباید دچار کار شکلی مثل افزایش تعداد شرکت‌های دانش بنیان شد.

لزوم سیاستگذاری دولت برای رشد بهره‌وری در غذا و انرژی

امینی رعیا در ادامه به بررسی وضعیت بهره‌وری در دو حوزه امنیت غذایی و امنیت انرژی پرداخت و گفت: مثلاً در حوزه امنیت غذایی، میزان تولید گندم ایران در هر هکتار به طور میانگین ۱ تا ۲ تن است اما این رقم در جهان بین ۳ تا ۴ تن در هر هکتار است. این در حالی است که نزدیک به ۵۰ درصد زمین‌های کشاورزی کشور درگیر تولید گندم است. ایران در سال نزدیک ۱۰ میلیون تن تولید گندم دارد و این رقم می‌تواند با افزایش بهره‌وری به ۳۰ میلیون تن برسد. مصرف کل کشور نیز ۱۵ میلیون تن در سال است که با افزایش بهره‌وری می‌توان صادرکننده گندم شد. این دقیقاً معنای بهره‌وری است. در بازدیدی که از برخی زمین‌های کشاورزی کرمانشاه داشتیم، یک شرکت هلدینگ بزرگ تعداد زیادی از زمین‌ها را در اختیار گرفته بود و برداشت آن‌ها را از ۱، ۱.۵ تن به ۳ تن رسانده بود. این یک راهبرد به ما می‌دهد که ما باید زمین‌های کشاورزی را بزرگ کنیم و از طریق شرکت‌های بزرگ و هلدینگ‌ها ارتقای بهره‌وری بدهیم. اما ما هر سال کود رایگان و بذر به کشاورزان می‌دهیم و فقط می‌گوییم همین میزانی که تولید دارید به ما تحویل دهید. کشور در حال حاضر سالی ۱۰۰ هزار میلیارد تومان هزینه یارانه گندم تا نان می‌کند اما با بهره‌وری بسیار پایین. سازمان



ملی بهره‌وری هم با سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی می‌تواند این خلاها را شناسایی کند و بهره‌وری را بالا ببرد. در واقع دولت باید با سیاستگذاری، منجر به افزایش بهره‌وری در بخش‌های مهم و راهبردی مثل امنیت غذایی شود و از این طریق، رشد اقتصادی و صادرات را افزایش دهد.

مدیر اندیشکده اقتصاد مقاومتی ادامه داد: در حوزه امنیت انرژی نیز بهره‌وری اهمیت بالایی دارد و در صحبت‌های مقام معظم رهبری به آن اشاره شده‌است. ایشان در این مورد فرموده‌اند که اگر بهره‌وری انرژی بالا برود، ۱۰۰ میلیارد دلار صرفه جویی اتفاق می‌افتد. این عدد با بررسی‌هایی که ما در این حوزه داشتیم کاملاً همخوانی دارد. با افزایش بهره‌وری در شرکت‌های حوزه انرژی به ویژه پالایشگاه‌ها که در حال حاضر بهره‌وری خیلی پایینی دارند می‌توان فرآورده بسیار بیشتر و باکیفیت‌تر بدست آورد. اما پالایشگاه‌ها شرکت دولتی هستند و افزایش بهره‌وری آن‌ها هیچ مزیتی برای مدیران شرکت ندارد و به همین دلیل انگیزه‌ای برای افزایش بهره‌وری ندارند. دولت نیز تنها سیاستگذاری می‌کند مثل بسیاری از سیاستگذاری‌ها که در نهایت ممکن است تحقق نیابد.

شرکت‌های دانش‌بنیان باید بر مسائل کلان و اساسی متمرکز شوند

وی ادامه داد: در سیاستگذاری دولتی به ویژه در بخش‌های راهبردی اقتصاد کشور مانند امنیت غذایی و امنیت انرژی باید سیاست‌هایی را اعمال کنیم تا منجر به افزایش بهره‌وری شود. مثلاً در حوزه کشاورزی به صورت مقیاس بزرگ و هلدینگ اداره کردن و در حوزه انرژی در نظر گرفتن نوعی منفعت برای مدیران و یا اداره کردن این بخش‌ها به صورت خصوصی می‌تواند پیشنهاد شود. با توجه به این که در شرایط فعلی اقتصاد منبع محور ما دچار چالش شده‌است که البته خودش نوعی فرصت محسوب می‌شود، باید از فرصت افزایش بهره‌وری دانش‌بنیان استفاده کنیم تا این نقاط راهبردی اقتصاد کشور را بتوانیم بهره‌ور و سودده کنیم و خروجی بیشتری از آن بگیریم.

وی افزود: یکی از مسائل شرکت‌های دانش‌بنیان در کشور این است که بخش کمی از آن‌ها در حوزه‌های راهبردی کار می‌کنند و بیشتر شرکت‌ها در حوزه خدمات فعال هستند. این‌ها باید هدایت و در مواردی که خلا و شکاف بهره‌وری وجود دارد به کار گرفته شوند. مثلاً اگر می‌خواهیم گزارش دهیم، بگوییم که چند شرکت دانش‌بنیان وجود دارد که در حوزه بهره‌وری کشاورزی کار می‌کند و ... این که تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان افزایش یابد و همه تولیدکننده نرم افزار باشند هم ارزشمند است اما آن جایی که خلا و شکاف بهره‌وری وجود دارد و با کارهای کم هزینه و کوتاه مدت می‌توان خروجی قابل توجهی گرفت مساله مهمی است که می‌تواند توسط شرکت‌های دانش‌بنیان حل شود.

امینی رعیا گفت: این نکته نیز قابل ذکر است که برای انجام هر کاری در کشور، راهی بر مبنای قانون و یا سیاست پیدا می‌شود و مسئله نبود سیاست بالادستی و یا فقدان قانون نیست، بلکه مسئله اصلی، ضعف در اقدام و اجرا است.

وی افزود: در بسیاری از مسائل، مسئله فقط فناوری سخت نیست. گاهی اوقات نیاز به فناوری نرم و ایجاد انگیزه بازیگران است. مثلاً در اقتصاد نفت نیز مشکل فناوری وجود ندارد بلکه ایجاد انگیزه یکی از مسائل اصلی برای استفاده و کارآمدی فناوری‌های سخت است.

در اقتصاد رانتی و انحصاری، بهره‌وری رشد نمی‌کند

در ادامه نشست کریم زاهدی معاون فناوری، نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان شورای عالی انقلاب فرهنگی در پاسخ به این که آیا دانش‌بنیان شدن اقتصاد باعث افزایش بهره‌وری می‌شود، گفت: نتیجه دانش‌بنیان شدن حتماً بهره‌وری است، اما آیا می‌شود که اقتصادی دانش‌بنیان شود و بهره‌وری رشد نکند؟ پاسخ مثبت است. اگر دانش‌بنیان شدن رانتی باشد، با یارانه و انحصاری و غیر بازاری باشد، افزایش بهره‌وری اتفاق نمی‌افتد. در همین حوزه تولید علم نیز مشخص است که چه بخشی از آن توسط دولت و چه بخشی توسط شرکت‌ها اتفاق می‌افتد. طبیعتاً علمی که منبع تولیدش متفاوت بوده، نحوه و میزان استفاده‌اش و میزان



اثر بخشی آن نیز متفاوت است. این همان علم لاینفع است؛ علمی که تولید می‌شود اما به درد ما نمی‌خورد. یا مساله کس دیگری را حل می‌کند یا اصلا مساله‌ای را حل نمی‌کند. صرفا رتبه ما را در تولید مقالات علمی و امثالهم بالا می‌برد. باید به مکانیزم بازار اعتماد و زیرساختش را ایجاد کنیم. در این صورت قطعا نتیجه دانش بنیان شدن افزایش بهره‌وری است.

وی ادامه داد: باید برای دانش بنیان شدن فهم مشترک داشته باشیم. ما به دنبال دانش بنیان شدن نیستیم، ما در اصل به دنبال توسعه و پیشرفت هستیم اما آیا تنها مسیر برای توسعه، دانش بنیان شدن است؟ پاسخ منفی است. جایگزین‌های دیگری هم وجود دارد که باعث توسعه می‌شود. اگر تنها مسیر توسعه دانش بنیان شدن باشد، دیگر معنایی ندارد که بگوییم ما این مسیر را برای توسعه انتخاب کرده‌ایم. به عنوان مثال یکی از مواردی که در فضای اقتصاد کلان بر بهره‌وری موثر است، «رقابت» است. اقتصاد باز بهره‌وری بیشتری دارد. مثلا نروژ یا هنگ کنگ، دانش بنیان نیستند اما اقتصاد باز دارند و توسعه یافته هستند و در شاخص‌های توسعه وضعیت خیلی خوبی دارند. در ژاپن و آلمان اقتصاد دانش بنیان هست به همان معنای خلاقانه و نوآورانه و درون زا بودن، ولی در بلژیک این طور نیست، اگرچه از حیث نوآوری و فناوری دانش بنیان است اما درون زا نیست و وابسته به آلمان است.

هر کدام از تعاریف اقتصاد دانش بنیان در جای خود مورد استفاده است

وی تصریح کرد: برای توسعه از مسیر دانش بنیان شدن می‌توان رویکردهای متفاوتی داشت. مثلا فناوری‌های با سطح بالا (High tech)، توسعه نظام مالکیت فکری، فناوری اطلاعات و ارتباطات، ICT، ادغام در زنجیره‌های جهانی و... مسیرها و رویکردهای مختلف به اقتصاد دانش بنیان است. ۸، ۹ رویکرد متفاوت به اقتصاد دانش بنیان وجود دارد که همه هم به نوعی درست است. من می‌گویم همه قابل استفاده است و هر کدام یک جایی قابل استفاده است. مثلا در حوزه حکمرانی، ICT کاربرد دارد اما در حوزه کشاورزی تعبیر دیگری از اقتصاد

دانش‌بنیان به مثابه هاب‌تک و فناوری مورد استفاده است. در حوزه صنعت مالکیت فکری مهم است و باید از آن استفاده نمود.

زاهدی ادامه داد: در دهه‌های گذشته در حوزه سیاستگذاری در مجموع توسعه خوبی ایجاد شده و روند مثبتی را داشته‌ایم و برنامه‌ها و سیاست‌های خوبی تدوین شده‌است. تا حدودی داریم از کلی گویی خارج می‌شویم اما همچنان در سیاست‌ها و برنامه‌های ما کلی گویی وجود دارد. وقتی می‌خواهد حرف دقیق شود، می‌بینیم که مجری دارد این کار را می‌کند. مجری نیز سلیقه دارد و طبق سلیقه خود عمل می‌کند. به همین دلیل در بسیاری از موارد با عوض شدن مجری کل برنامه تغییر می‌کند و کشور حرکت زیگزاگی دارد. جا دارد برنامه‌ریزی‌ها در سطح بالاتری انجام شود تا ثبات بیشتری را در اقدامات شاهد باشیم.

وی افزود: در مورد بحث اقتصاد آزاد و مقوله‌های رقابت و همکاری، باید گفت که رقابت و همکاری سر جای خود رویکردهای درستی است. مثلاً در خودروسازی کشور، دو خودروساز اصلی باید همکاری کنند چراکه تیراژ تولید هردو بسیار پایین است و تولید یکی به تنهایی صرفه اقتصادی ندارد. لذا می‌توانند همکاری کنند و رقابت را ببرند در حوزه‌های دیگر. به‌عنوان مثال کره جنوبی با جمعیت ۴۰ میلیون نفری نمی‌تواند ۵ خودروساز داشته‌باشد که باهم رقابت کنند لذا تا حدودی درهایش را باز می‌کند تا خودروسازان با خودروسازان جهان رقابت کنند اما چین مقیاس جمعیتی و اقتصادی بزرگی دارد و می‌تواند چندین خودروساز بزرگ داخل مرزهای خود داشته‌باشد. ولی در آموزش عالی همکاری معنا ندارد و دانشگاه آزاد اسلامی نمونه ناموفق افزایش مقیاس بی دلیل است. آنچه مرز میان همکاری و رقابت را تعیین می‌کند مقیاس اقتصادی است.

برای افزایش بهره‌وری، دولت موظف به کنترل و هدایت بازار است

در ادامه دکتر عبدالله صوفی عضو هیئت علمی دانشگاه ویسکانسین آمریکا و استاد سیاست صنعتی که به صورت مجازی در نشست شرکت نموده‌بود، با بیان این که مسئله بهره‌وری بر



سه اصل قرار دارد، گفت: این سه اصل عبارتست از: توسعه فناوری در سرمایه، توسعه علم و دانش در نیروی کار و مباحث مدیریتی و سیاستگذاری. برای افزایش بهره‌وری در ایران یک نظام تسهیلاتی پیشرفته برقرار شده‌است. از حیث نگارش مقاله نیز نرخ رشد مقالات دانشمندان ایران در چندین سال متمادی بالاترین رشد در جهان بوده‌است. در مورد بهره‌وری سرمایه تجربیات کشورهای موفق شرق آسیا نظیر ژاپن، چین و کره جنوبی نشان می‌دهد که برای افزایش بهره‌وری سرمایه، دولت موظف به هدایت و کنترل بازار است.

وی ادامه داد: ادعای تاثیر مثبت باز بودن اقتصاد بر افزایش بهره‌وری نادرست است و بسیاری از کشورهای موفق در افزایش بهره‌وری اصلاً چنین کاری را انجام نداده‌اند. مثلاً یکی از ابعاد مهم سیاست صنعتی ژاپن، کره و چین این بود که بنگاه‌ها را به همکاری و نه رقابت، تشویق می‌کرد و با این رویکرد توانست موفق شود. سیاست صنعتی این کشورها در تضاد کامل با سیاست دولت آمریکا است که به رقابت تشویق می‌کند و از این مسیر به دنبال افزایش بهره‌وری است. براساس تجربیات سه کشور موفق شرق آسیا این مساله که رقابت باعث افزایش بهره‌وری می‌شود درست نیست.

صوفی افزود: ماهیت سیاست صنعتی با صنعتی شدن متفاوت است. صنعتی شدن در پی این است که چگونه کل اقتصاد را توسعه دهد اما سیاست صنعتی در صناعی خاص تمرکز می‌دهد و این که چگونه به صناعی خاص کمک کنیم که فناوری لازم را بدست آورند و حرفی در جهان برای گفتن داشته‌باشند. کشورهایی که از طریق خام فروشی توازن ارزی برقرار می‌کنند دارای استقلال اقتصادی نیستند. استقلال اقتصادی یعنی کشوری بدون خام‌فروشی بتواند از فروش کالایی که در سطح جهانی می‌تواند رقابت کند توازن ارزی به وجود آورد. یکی از ابعاد مهم سیاست صنعتی در ژاپن از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۰ کنترل ارزی و ارز ترجیحی بود. این کشور از طریق اختصاص ارز ترجیحی به شرکت‌ها برای دریافت فناوری لازم، رانت می‌داد.

بهره‌وری، به تولید علم پایه نیز بستگی دارد

استاد دانشگاه ویسکانسین آمریکا با اشاره به این که وجود علم به تنهایی نشانگر استفاده از فناوری نیست، گفت: ممکن است شرکت‌های دانش‌بنیان فرصت‌های شغلی خوبی برای تحصیل کرده‌های ایرانی ایجاد کند اما آیا معیاری وجود دارد که بتوان سنجد که این شرکت‌ها از نظر بهره‌وری چه عملکرد و اثر و پیشرفت‌هایی داشته‌اند؟ آیا بنگاه‌های دانش‌بنیان می‌دانند که از کدام دانش باید برای تولید استفاده کنند؟

وی ادامه داد: بعد از سرکوب تورم عظیمی که در چین بوجود آمد و ایجاد اشتغال و رفع قحطی که در این کشور در حال انجام بود، چینی‌ها شروع به سرمایه‌گذاری روی صنایع سنگین مانند فولاد، زغال سنگ، کارخانجات ماشین‌سازی و سوخت کردند. ۴۲ درصد از کل درآمد این کشور صرف سرمایه‌گذاری روی این صنایع شد. با آن جمعیت عظیم، تنها حدود ۵۸ درصد از درآمد ملی خود را مصرف می‌کردند. این در حالی است که طبق آمار چند سال پیش، مصرف در ایران حدود ۷۰ درصد کل تولید ناخالص ملی کشور است و سرمایه‌گذاری چندان انجام نمی‌شود. این بدان معنا نیست که همه ایرانی‌ها مصرف‌گرا هستند. این بر اثر اختلاف طبقاتی و مسائلی از این دست است.

وی تصریح کرد: در سال ۱۹۵۶ دولت چین به این نتیجه رسید که نیاز دارند یک برنامه و راهکار علمی داشته‌باشند. تا پیش از آن به دانشمندان و اساتید می‌گفتند شما کار علمی عمیق نکنید و فقط مشکلات فنی و روزمره صنایع را حل کنید. بر این اساس دولت ۶۰۰ دانشمند را به علاوه مشاوران اتحاد جماهیر شوروی ۵ ماه در هتلی در پکن مشغول به تحقیق و فعالیت نمود و برنامه‌ای برای توسعه علمی چین نوشتند که طی این برنامه ۱۲ ساله، ۵۷ وظیفه تعیین شد که به دولت گفتند شما باید به این مسائل جواب بدهید. همین مساله باعث شد که در سال ۱۹۶۶ یک استاد دانشگاه لس آنجلس که برای کارهای مطالعاتی به چین رفته بود، جمع بندی کند که در حال حاضر کالایی نیست از کشورهای غربی و آمریکا که چینی‌ها نتوانند بسازند. لذا بهره‌وری به تولید علم پایه نیز بستگی دارد.



ترکیبی از رقابت و همکاری باید بین فعالین اقتصادی وجود داشته باشد

در ادامه میرسامان پیشوایی رئیس سازمان ملی بهره‌وری ایران با اشاره به نرخ تشکیل سرمایه پایین در اقتصاد ایران، گفت: آن مقدار تشکیل سرمایه اندکی که در حال انجام شدن است نیز در بخش ساختمان است. در بخش ماشین آلات تشکیل سرمایه به مراتب کمتر است و اساساً منفی است و در حالی که ماشین آلات است که در حوزه بهره‌وری می‌تواند کمک جدی بکند. تاثیر نوسازی ساختمان‌ها بر بهره‌وری به نسبت سرمایه‌گذاری در حوزه ماشین آلات خیلی پایین‌تر است. این موضوع خیلی مهمی است که باید در کشور سیاست جدی برای حل آن اتخاذ شود.

وی در ادامه با اشاره به بحث همکاری و رقابت افزود: در مورد همکاری و رقابت در اقتصاد و نقش آنها در ایجاد بهره‌وری، در قدیم گفته می‌شد که راهبرد اصلی، رقابت است اما بعداً عده‌ای معتقد بودند که راهبرد دیگری به نام همکاری نیز وجود دارد. هم‌اکنون راهبرد ترکیبی این دو وجود دارد که گفته می‌شود بهترین حالت است و ترکیب رقابت و همکاری است. البته برخی می‌گویند این راهبرد تناقض دارد در صورتی که این گونه نیست و در عمل این راهبرد اتفاق افتاده و عملیاتی شده‌است. لذا مثلاً در برخی موارد دیده می‌شود که شرکت‌ها و بنگاه‌ها ائتلاف‌هایی را تعریف می‌کنند برای استفاده از مزیت‌ها و در مواردی هم رقابت می‌کنند منتها رقابت‌ها در حال حاضر بیشتر شبکه‌ای شده‌است یعنی به جای این که تک بنگاه‌ها باهم رقابت کنند شبکه‌ها با هم رقابت می‌کنند. مثلاً برند تویوتا که با برند نیشان رقابت می‌کند فقط یک شرکت نیست بلکه یک شبکه گسترده و زنجیره تامین است.

پیشوایی در مورد این سوال که فقدان سند کلان چه میزان در ضعف بهره‌وری نقش دارد گفت: در اغلب حوزه‌ها مشکل سیاست کلان نداریم و مفاهیم کلی مخالف آنچنانی ندارد و ابهامی در آنها نیست. بلکه مشکل اصلی در «جاری‌سازی و تنظیم‌گری» است. همه به رسیدن به قله اعتقاد دارند، اما چالش اصلی بر سر چگونگی رسیدن به قله است که یا نمی‌دانیم چطور باید برسیم و یا می‌دانیم و به دلایل مختلف اجرا نمی‌کنیم. لذا باید با شرایط

فعلی و وجود تحریم و ... برای رسیدن به آرمان برنامه تعیین کرد. ما به سهم خود در سازمان ملی بهره‌وری برنامه‌ای به نام «جریان‌سازی نوآوری بهره‌ور» تدوین کرده‌ایم. به این معنا که دولت بر نوعی از نوآوری که به درد جوامع در حال توسعه می‌خورد و نفع عمومی بیشتری دارد و مشکلات و مسائل جامعه را حل می‌کند متمرکز شود. این نوع نوآوری به حل مسائل بهره‌وری در کشور کمک می‌کند و هند نمونه موفق آن است. در این زمینه با معاونت علمی ریاست جمهوری تفاهم‌نامه امضا شده و در حوزه‌های حمل و نقل، انرژی و کشاورزی کار را شروع کرده‌ایم.



نشست ساز کارهای حمایتی و انگیزشی در راستای تحقق اقتصاد دانش بنیان

وزارت امور اقتصادی و دارایی

نشست چهارم از سلسله نشست تخصصی اقتصاد دانش بنیان؛ چپستی، موانع و الزامات با موضوع «ساز کارهای حمایتی و انگیزشی در راستای تحقق اقتصاد دانش بنیان» ۹ آبان ماه در وزارت امور اقتصادی و دارایی برگزار شد. این سلسله نشست در چارچوب «گفتگوهای مسیر پیشرفت» اندیشکده اقتصاد مقاومتی برگزار می شود.

آیا نیاز به تغییر ریل در ساز کارهای حمایتی دانش بنیان وجود دارد؟

در ابتدای نشست سید جعفر حسینی عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فناوری و مدیر گروه توسعه و برنامه ریزی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی گفت: اندیشکده اقتصاد مقاومتی از زمانی که بحث اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری مطرح شد به عنوان یک رویکرد و پارادایم اقتصادی انقلاب اسلامی مساله گفتگو در مورد مسائل مختلف

اقتصادی کشور و ایجاد روایت‌های متناسب با شرایط اقتصادی ایران در بین نخبگان، سیاست‌گذاران، اندیشمندان و اساتید دانشگاهی را در دستور کار خود قرار داده و به این منظور مهم‌ترین کارویژه‌های اندیشکده دو چیز بوده‌است؛ یکی همایش سالانه اقتصاد مقاومتی که هشت همایش برگزار شده و نهمین همایش با موضوع مالیات انشاالله امسال برگزار می‌شود و یک مأموریت دیگر، نشست‌های تخصصی بوده‌است که نشست حاضر یکی از این نشست‌هاست. با توجه به شعار سال موضوع جلسه حاضر که چهارمین نشست از سلسله نشست‌هاست با عنوان «اقتصاد دانش‌بنیان؛ چپستی، موانع و الزامات» است، بحث سازکارهای حمایتی و انگیزشی است که در راستای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان در این سال‌ها در دستور کار قرار گرفته‌است.

وی افزود: پس از گذشت حدود دو دهه از زمانی که بحث اقتصاد دانش‌بنیان در کشور به طور جدی مطرح و به تدریج به یک پارادایم غالب در توسعه کشور تبدیل شد، می‌خواهیم میزان اثرگذاری سازکارهای حمایتی را که در این سال‌ها دنبال کرده‌ایم ارزیابی کنیم و به این سوال پاسخ دهیم که آیا سازکارهای بهتری وجود داشته‌است که بتواند جایگزین حمایت‌های فعلی شود؟ و در نهایت بتوان تصمیم گرفت که آیا نیاز است تغییر ریلی در مسیر حمایتی خود داشته‌باشیم یا خیر.

لزوم پیوند میان بخش دانش‌بنیان و بقیه اقتصاد

وی ادامه داد: شاید نزدیکترین دستاورد بحث حمایت از اقتصاد دانش‌بنیان قانون جهش تولید دانش‌بنیان باشد که امسال در مجلس یازدهم مصوب شد و بسیاری از سازکارهای حمایتی که ما برای دانش‌بنیان کردن اقتصاد کشور در نظر می‌گرفتیم را در قالب یک قانون جمع کرد. سوال این است که با توجه به مجموعه حمایت‌هایی که در راستای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان انجام شده‌است، از قانون حمایت از شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان که در سال ۸۹ در مجلس هشتم تصویب شده تا قانون جهش تولید دانش‌بنیان و بقیه سازکارهای نهادی



که درست کردیم؛ این مدل حمایتی ما تا چه حد موفق بوده و حمایت‌ها چه دستاوردهایی داشته‌است. به علاوه، آیا الگوهای حمایت کشورهای دیگر هم به همین شکلی هست که در کشور ما دارد پیگیری می‌شود یا ابزارها و شیوه‌های دیگر حمایتی هم وجود دارد.

حسینی تصریح کرد: باید پیوندی بین بخش واقعی اقتصاد با حوزه دانش‌بنیان داشته باشیم و گرنه توسعه گلخانه ای و انکوباتوری اتفاق می‌افتد و عموم مردم احساس می‌کنند جزیره نخبگانی شکل گرفته‌است که یک سری آدم‌های تافته جدابافته دارند حمایت‌هایی دریافت می‌کنند و نسبت این را با رفاه عمومی خود احساس نمی‌کنند. در اتفاقاتی که امسال در اصلاح نرخ ارز و ارز ترجیحی رخ داد، پس از این همه سرمایه‌گذاری که کرده‌ایم مشخص شد که چالش بزرگی در پایگاه‌های داده‌مان داریم و تلقی ما این بود که با این حجم از سرمایه‌گذاری که در شرکت‌های دانش‌بنیان کرده‌ایم که بخشی از آن‌ها نیز در حوزه ICT بودند، توانسته باشیم در بحث‌های پایگاه داده به حد یقینی برسیم که در سیاستگذاری کشور بتواند کمک بزرگی کند اما دیدیم که در لحظه اجرا در ساده‌ترین بخش که بحث دهک‌بندی بود نتوانستیم مطمئن عمل کنیم.

بهره‌وری کل عوامل تولید کشور در ۱۰ سال اخیر تقریباً صفر بوده‌است

وی خاطرنشان کرد: در چند برنامه توسعه اخیر بحث رشد ۸ درصدی همواره مطرح بوده‌است و در مجمع تشخیص وقتی صحبت از این می‌شد که رشد ۸ درصدی از کجا قرار است تحقق یابد، یک حرفی همواره بود که یک سومش قرار است از طریق رشد بهره‌وری رخ دهد. در حالی که نرخ رشد بهره‌وری کل عوامل تولید ما در ۱۰ سال اخیر تقریباً صفر بوده‌است. یک تجربه‌ای که در مورد بهره‌وری وجود دارد برنامه سوم توسعه است. در آن جا رشد ۶ درصدی هدف‌گذاری شده بود. اما یکی از عواملی که می‌گویند برنامه سوم توسعه محقق شده‌است همین بحث بهره‌وری است.

وی ادامه داد: مهم‌ترین عامل موثر بر بهره‌وری برخی قواعد و نهادهایی بوده که در آن زمان

دست و پا گیر استفاده از ظرفیت‌های تولیدی کشور بوده‌است. مثل قوانین قیمت‌گذاری و بحث مجوزها که در آن زمان مصادیقی داشت و اجماعی در سطح حاکمیت شکل گرفته بود که این مسائل را حل کنند. در حالی که از لحاظ درآمدهای نفتی و شرایط سیاسی کشور هم خیلی وضع خوبی نداشتیم. لذا یکی از دلایل اصلی مساله بهره‌وری را قواعد و رویه‌ها و نهادهای و امثالهم می‌دانند. نهادهای و رویه‌هایی که آن زمان با مفهوم حمایت از مصرف کننده، تولیدکننده، افشار ضعیف و درست شده بود. یعنی ما قواعدی گذاشته بودیم که از برخی حمایت کنیم اما در مجموع همه بازنده بودیم.

کمک معاونت علمی به پیشبرد کارها خارج از بروکراسی‌های موجود

در ادامه نشست روح‌الله متفکر آزاد نماینده و رئیس فراکسیون دانشگاهیان مجلس شورای اسلامی با اشاره به اهمیت موضوع حکمرانی علم، گفت: خروج از بسیاری از مشکلات کشور در گرو حکمرانی علمی است. پیش مقدمه ورود به حکمرانی علم این است که ما گره‌های حوزه حکمرانی علم را در دانشگاه‌ها و مراکز علمی خودمان باز کنیم و بعد از آن تازه باید به دنبال حل کردن گره‌های حوزه‌های دیگر توسط علم باشیم. برخی معتقدند باید جدا از هم به این‌ها نگاه شود و ابتدا گره‌های حکمرانی علم باز شود و بعد به فاز دوم برویم. حقیر معتقدم این دو درهم تنیده است و باید باهم پیش برود. مساله حوزه حکمرانی علمی با نسخه‌های درهم تنیده می‌تواند حل شود.

وی ادامه داد: موفقیت‌هایی هم که تا الآن در کشور درحوزه تولید علم داشتیم خودش می‌تواند اثر تصاعدی و رفت و برگشتی داشته‌باشد در حوزه گسترش حکمرانی علمی و به تبع آن هم خودش دوباره رشد کند و هم بسیاری از مسائل کشور را بتواند حل کند. با این دیدگاه حرکت به سمت فناوری و تولید ثروت وقتی معنا پیدا کرد که ما باور کردیم که تولیدات علمی ما به نقطه ارزشمندی رسیده‌است که می‌توانیم از علم به سمت فناوری و ثروت برویم. با این نگاه هم در معاونت علمی تغییر ایجاد شد، شکل گیری معاونت علمی کمک کرد به این که کارهایی خارج از ضوابط بروکراتیک که عموماً در وزارتخانه‌ها با آن‌ها



درگیر هستیم در معاونت علمی جلو برود و بتوانیم بروکراسی‌ها را دور بزنیم و با سرعت برویم سر خط بایستیم. این ضرورت یک یا دو دهه گذشته ما بوده‌است که بتوانیم در سرخط حرکت‌هایی را طراحی کنیم و رقم بزنیم.

تشکیل بیش از ۶ هزار شرکت دانش‌بنیان، ثمره قانون مصوب ۸۹

وی افزود: جاهایی که لازم بود هزینه‌ای بشود، ریسک‌هایی را بپذیریم و فرهنگ‌هایی را بسازیم نیازمند پیشرانی مثل معاونت علمی بود که من معتقدم جزو حرکت‌هایی است که می‌توان ارزیابی مثبتی درمورد آن انجام داد. قانون اول دانش‌بنیان مصوب سال ۱۳۸۹ قانون خوبی بود به جهت این که ریل گذاری خوبی برای شکل دهی به شرکت‌های دانش‌بنیان در مقیاس کوچک و بعد متوسط را به وجود آورد و این قانون در این ۱۰، ۱۱ سالی که کار کرد ثمره خود را در شکل دهی بیش از ۶ هزار شرکت نشان داد. گردش مالی که این شرکت‌ها دارند نسبت به مقیاسشان قابل قبول است. فعالیت این دوره نشان داد که ضعف‌ها و موانعی داریم که هم بعضی جاها نیاز به تغییر ساختاری وجود داشت، هم جاهایی اختلافاتی میان وزارتخانه‌ها و معاونت علمی بود که نیاز بود این اختلافات یک جایی حل شود.

متفکر آزاد ادامه داد: یک نکته دیگر این که ما در جایی در مجلس متوجه شدیم که چه نوع از حمایت‌ها بیشتر مورد نظر و مورد مطالبه است، چطور می‌توان خطرپذیری کار را مدیریت کرد، چطور می‌توان به نوپایان حوزه فناوری به لحاظ حمایت‌های مالی، مالیاتی، گمرکی، بیمه‌ای و امثالهم کمک نمود. از یک سمت دیدیم که ما چاره‌ای نداریم جز این که بنیان‌های حوزه علم را هم قوی‌تر کنیم. چطور می‌شود سود فناوری‌های نو و حرکت در مسیر دانش‌بنیان را به دانشگاه‌ها هم سرریز کرد، یعنی در این قانونی که می‌نویسیم یک بازگشتی هم به حوزه حکمرانی علم باید می‌داشتیم. قانون جدید هم سعی کرده‌است به همه این‌ها توجه کند.

متولی اقتصاد دانش بنیان، پس از «دوره گذار» وزارتخانه‌ها هستند

وی تصریح کرد: مثلاً در زمینه کمک رسانی به دانشگاه‌ها در سرریز این اقتصاد پویا، این قانون سعی کرد یک گره بزرگ را باز کند و آن مساله ارتباط صنعت و دانشگاه بود. در این راستا شرکت‌هایی که بخش تحقیق و توسعه آن‌ها با دانشگاه‌ها قرارداد ببندند مشمول اعتبارات مالیاتی قابل انتقال به سنوات آتی می‌شوند. درواقع مثل این است که معافیت مالیاتی نداشته، بلکه مالیاتش را داده‌است ولی برای خودش داده‌است. هم دانشگاه‌ها از این اتفاق منتفع می‌شوند و هم صنعت. این جا آنقدر ارتباط دانشگاه با صنعت سودده شد که خود صنعت به سمت دانشگاه می‌آید. در جاهایی به شرکت‌ها کمک کردیم برای خط تولیدشان که در مناقصات و امثالهم بروکراسی‌زدایی شد و حتی امکان رقابت با این‌ها را از شرکت‌های بزرگ و دولتی گرفتیم که امکان نداشته‌باشد بتوانند با آن‌ها رقابت کنند. یعنی جای تنفس گذاشتیم برای این شرکت‌ها که در جاهایی بتوانند پیروز شوند.

رئیس فراکسیون دانشگاهیان مجلس شورای اسلامی افزود: بنده شخصا معتمد معاونت علمی تا جایی که بتواند این بروکراسی‌ها را بشکند باید سردمدار این اتفاق باشد. اگر توانست بروکراسی‌ها را بشکند و ریل‌گذاری را تکمیل کند و حرکت در این ریل‌ها تسهیل شد باید حرکت در این ریل به وزارتخانه‌های مربوطه محول شود. ما برای دوره گذار که بتوانیم به نقطه‌ای که بقیه کشورها حرکت می‌کنند برسیم و در پیشانی‌های این حرکت قرار بگیریم نیاز داشتیم به مجموعه‌ای که خودش را از بروکراسی خلاص کرده‌باشد. اگر رسیدیم به آن نقطه، از آن جا به بعد باید حکمرانی را برگردانیم به حکمرانی منظم و بار معاونت علمی را سبک کنیم و به سمت گشودن کارهای جدید، مرزهای جدید و ستادی‌تر عمل کردن برو. قانون جهش تولید فعلاً به این نقطه توجه نکرده و نگاهش نگاه بر مبنای وجود معاونت علمی با همین مدل نقش‌آفرینی است.



اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصاد شرکت‌ها و بنگاه‌های دانش‌بنیان نیست

وی افزود: ما در قانون جدید به این نکته توجه و دقت نظر داشتیم که اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصاد شرکت‌ها و بنگاه‌های دانش‌بنیان نیست. یا اقتصاد شرکت‌های کوچکی که به صورت انکوباتور بخواهیم رشدشان دهیم نیست. به همین دلیل در این قانون به سراغ شرکت‌های بزرگ یا کوچک غیر دانش‌بنیان ولی با کارکرد دانش پایه رفته‌ایم. یعنی اگر شرکتی علاقمند بود در افزایش بهره‌وری خودش به سراغ تحقیق و توسعه برود و هزینه کند حتی اگر شرکت دانش‌بنیان نباشد می‌تواند از آن مشوق‌هایی که در اقتصاد برایش دیده شده‌است، استفاده کند. این یعنی داریم سعی می‌کنیم اقتصاد دانش‌بنیان را از حالت انکوباتور خارج کنیم. یعنی می‌خواهیم بگوییم این بخش تولیدی اگر با دانشگاهی قرارداد ببندد و یا خودش برای تحقیق و توسعه هزینه کند و مشکلی را در خط تولیدش حل کند و بهره‌وری تولیدش را افزایش دهد بخشی از درآمدهایش معاف از مالیات می‌شود. اگرچه یک جاهایی باید این انکوباتور طی می‌شد و لذا مجبور بودیم اما زمانش شاید نباید اینقدر طولانی می‌شد.

وی با اشاره به این که اقتصاد دانش‌بنیان را نباید در بهره‌وری خلاصه نمود، گفت: یک جاهایی ما باید تعریف‌های تک داشته‌باشیم؛ مثل حوزه‌های صنایع دفاعی و تحریمی و حوزه‌های خاص تکنولوژی. این مطالبه آقا بود که یک جاهایی برویم در خط مقدم و در لبه تکنولوژی بایستیم. کشور هم یک جاهایی برای عبور از مشکلات به این‌ها نیاز دارد.

رفع برخی موانع حوزه دانش‌بنیان از طریق قوانین غیر دانش‌بنیان

متفکر آزاد ادامه داد: برخی کارهایی را با آقای خاندوزی زمانی که نماینده مجلس بودند انجام می‌دادیم که الآن دارد ثمر می‌دهد. همین تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، کار خوبی بود که باعث جلوگیری از اطاله صدور مجوز می‌شود به این صورت که اگر سه روز از تاریخ ثبت مجوزهای ثبت محور و سه ماه از تاریخ ثبت مجوزهای تاییدمحور بگذرد و متقاضی پاسخی دریافت نکند به صورت خودکار دارای مجوز تلقی می‌شود، یعنی ترک فعل سیستم

باعث می‌شود فرد خودکار مجوز بگیرد و لذا سیستم یاد می‌گیرد که ترک فعل نکند. این اتفاق خوبی است که خیلی رتبه ما را در حوزه کسب و کار جلو می‌اندازد. برخی موانع ما در حوزه دانش‌بنیان از طریق قوانین غیر دانش‌بنیان رفع می‌شود.

وی با اشاره به این که قانون جهش تولید دانش‌بنیان فراخور زمان را در خودش دارد، گفت: یک بخشی استمرار حمایت از نزج‌گیری‌های فعالیت‌های دانش‌بنیان در کشور است. اما در کنار آن ساحه‌های جدید نیز باز شده‌است. مثل این که اقتصادهای بزرگ باتوجه به حوزه دانش‌بنیانی خودشان بتوانند از مزایایی بهره‌مند شوند و پیش بروند. سوئیچ کردن از مدل انکوباتوری و اقتصاد دانش‌بنیان به مثابه‌های تک به مدل سیستم حکمرانی اصلی کشور که در آن اقتصاد دانش‌بنیان توسط وزارت اقتصاد و بانک مرکزی محقق شود فرآیندی آرام و تدریجی است. تغییرات آرامی نیاز است که مدل اول (انکوباتور) نیز به طور کلی نفی نشود ولی به سمت قانون‌مدار شدن روال‌ها، شکل‌گیری بروکراسی‌های رقیق شده و پیگیری آن‌ها در وزارتخانه‌ها برویم. برای این سوئیچ کردن باید به یک بلوغی برسیم. باید پیشران‌هایمان را فعال کنیم که زودتر به این بلوغ برسیم و برای رسیدن به این بلوغ باید اقتصاد ما یاری کند. تولید ما باید آنقدر سودده باشد، اقتصاد مولد ما آنقدر رغبت ایجاد کند برای تولیدکننده که این بلوغ را تسریع کند.

در توسعه اقتصاد دانش‌بنیان دچار یک خطای شناختی شدیم

در ادامه روح الله ابوجعفری عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فناوری و مشاور وزیر اقتصاد در امور دانش‌بنیان گفت: وقتی درمورد اقتصاد دانش‌بنیان صحبت می‌کنیم هرکس یک تعبیری به ذهنش متبادر می‌شود. ما در توسعه اقتصاد دانش‌بنیان دچار یک خطای شناختی شدیم. از نظر رویکرد تاریخی به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم به این طرف با پروژه منهتن و بمب اتمی که آمریکا در ژاپن منفجر کرد و قوت علم را در حل کردن مسائل اقتصادی و سیاسی نشان داد، این خیلی پررنگ شد که جوامع اگر بخواهند توسعه پیدا کنند



باید روی توسعه علم و فناوری سرمایه‌گذاری کنند و جریان ادبیات هم به این سمت رفت که این را پررنگ کرد. از سویی در ادبیات اقتصادی حرف این بود که انباشت سرمایه باید اتفاق بیفتد تا توسعه اقتصادی رخ دهد. این دو مساله به صورت دو مسیر موازی جلو رفت و کشورهای مختلف در توسعه اقتصادی سعی کردند که از ترکیب این دو استفاده کنند و به یک ترکیب سیاستی بهینه برسند.

دانش‌بنیان شدن اقتصاد به چه معناست؟

وی ادامه داد: ما یک کار تحقیقاتی کردیم و سعی کردیم تعابیری که از اقتصاد دانش‌بنیان می‌توان مطرح کرد را احصا کنیم. به سه تعبیر رسیدیم. یک تعبیر اقتصاد دانش‌بنیان به مثابه‌های تک است. این نگاه می‌گوید هرچقدر فناوری‌های پیشرفته در اقتصاد، ظهور و بروز بیشتری داشته‌باشد، اقتصاد دانش‌بنیان‌تر است. تعبیر دوم به واسطه این موج‌های فناورانه این است که وقتی ICT توسعه پیدا کرد ما شاهد شکل جدیدی از اقتصاد هستیم. این شکل جدید اقتصاد بدون وزن است. دیگر لازم نیست رفت و آمدی در آن انجام شود. اصطکاک در این اقتصاد وجود ندارد. پول جنس دیگری پیدا می‌کند. تولید جنس دیگری پیدا می‌کند. دیگر اصلاً قوانینی که در اقتصاد قبلی داشتیم که می‌گفتیم تولید، توزیع، مصرف، سرمایه‌گذاری و ... به آن شکل در این اقتصاد معنا ندارد.

ابوجعفری افزود: سردمدار این نگاه افرادی مثل آلوین تافلر هستند. در این نگاه مثلاً تافلر در یکی از کتاب‌هایش می‌گوید ما در اقتصاد قبلی تولید (production) داشتیم و مصرف (Consumption). تولید و مصرف از هم جدا بود. در اقتصاد جدید با یک پدیده‌ای مواجهیم به نام (prosumption) که تلفیق بین تولید و مصرف است. می‌گوید در اقتصاد جدید همزمان که داریم تولید می‌کنیم مصرف هم می‌کنیم. یک پدیده جدید است. پول دیگر به آن معنا که حاکمیتی باشد و بانک مرکزی باشد که امضا کند و اعتبار پیدا کند معنی ندارد. پول از جنس اطلاعات می‌شود. این را در سال ۲۰۰۵ می‌گویند. الآن تازه خروجی‌هایی از

جنس بلاک چین و رمزارز و این چیزها می‌بینیم که دارد اساس مبادلات می‌شود. وی تصریح کرد: یک تعبیر سوم هم وجود دارد که می‌گوید اقتصاد دانش بنیان یعنی اقتصادی که از دانش استفاده می‌کند برای افزایش بهره‌وری. دانش کمک می‌کند که وضعیت موجود بهتر شود. کمک می‌کند که یک مقداری مسائل تولیدی و اجتماعی حل شود. من یک موقع‌هایی که این موضوع را در جلسات ارائه می‌کردم از افراد سوال می‌کردم که به نظرتان کدام یک از این‌ها در اقتصاد ایران حاکم است؟ عمدتاً می‌گفتند همین اقتصاد به مثابه های‌تک. سیاستگذاری‌های ما هم این را نشان می‌دهد. وقتی وزارت علوم درست می‌کنیم، معاونت علمی درست می‌کنیم، ستاد نانو، بیو و علوم شناختی درست می‌کنیم؛ همه این‌ها نشان می‌دهد که نگاه سیاستگذار اقتصاد دانش بنیان به مثابه های‌تک است. به نظر ما این می‌آید که این تعریف درستی نیست. در نتیجه این تعریف خروجی‌های نوآورانه افزایش پیدا می‌کند اما این لزوماً به معنای حل مسائل کشور نیست. اگر این تعریف وجود داشته باشد متولی اقتصاد دانش بنیان معاونت علمی می‌شود. اگر تعریف را عوض کنید و اقتصاد دانش بنیان را به مثابه بهره‌وری در نظر بگیرید، متولی اقتصاد دانش بنیان می‌شود بانک مرکزی، سازمان امور مالیاتی و وزارت صمت. قرار است این‌ها نقش‌آفرینی کنند. اقتصاد دانش بنیان یک نوع اقتصاد در کنار بقیه اقتصادها نیست. اقتصاد دانش بنیان یک صفت است. ما باید اقتصاد کشاورزی دانش بنیان و اقتصاد صنعتی دانش بنیان و اقتصاد خدماتی دانش بنیان داشته باشیم. این نیازمند این است که روح این اقتصاد، ساختارها و قوانین و مقرراتش تغییر کند.

نظام مالیاتی عادلانه، لازمه سرمایه‌گذاری در حوزه دانش بنیان

ابوجعفری با اشاره به عنوان جلسه که «سازکارهای حمایتی و انگیزشی در راستای تحقق اقتصاد دانش بنیان» بود گفت: چه حمایتی؟ چه انگیزشی؟ همه‌اش می‌شود مثلاً پول رانتي که ما در صندوق نوآوری داریم. می‌شود مجوز رانتي که ما واردات نکنیم و این‌ها را حمایت کنیم. یک طرف دیگر این اقتصاد رها است. وقتی کسی دلار می‌خرد ۳ هزار



تومان و می‌فروشد ۳۰ هزار تومان، چه انگیزشی برای سرمایه‌گذاری در حوزه دانش‌بنیان وجود دارد؟ هرچقدر هم حمایت کنید. لذا این دوگانگی از جای دیگری آب می‌خورد. یکی در حوزه شناختی است که اصلاً ما تعریفی که از اقتصاد دانش‌بنیان داریم تعریف نادرستی است. مساله دوم چیزی است که من به آن می‌گویم «دولت متناقض». در ادبیات اقتصادی یک سری وظایف کلاسیک برای دولت داریم؛ مانند تضمین حقوق مالکیت، ایجاد شفافیت، کمک به توسعه زیرساخت، سرمایه‌گذاری در آموزش و مواردی از این دست. ما در توسعه سیاست‌های اقتصادی در حوزه دانش‌بنیان وظایف کلاسیک دولت را رها کرده‌ایم. مثلاً یک نفر که پرونده‌ای برایش پیش می‌آید چند سال باید تلاش کند تا به نتیجه برسد؟ مساله حق مالکیت اصلاً در اقتصاد ما محترم نیست. اوجش در تورم خودش را نشان می‌دهد که به طور مشخص دست دولت در جیب مردم بود. ما ظالمانه‌ترین مالیات را مالیات توری می‌دانیم که به شدت در این چند سال اجرا شده‌است. دولت وظایف کلاسیک خود را رها کرده و چسبیده‌است به وظایف مدرن؛ می‌خواهد حمایت کند و مکانیزم انگیزشی ایجاد کند. وی افزود: مکانیزم انگیزشی وقتی است که ساختار مالیاتی عادلانه‌ای ایجاد شود که کسی که در تولید است پاداش بگیرد و کسی که در سوداگری است جریمه شود. دقیقاً در اقتصاد ایران برعکس است. فرد در بازار سوداگری و ارز و مسکن و طلا می‌رود، اصلاً توجهی نمی‌شود؛ نه مالیاتی، نه شفافیتی، نه مجوزی. این طرف در تولید می‌آید مسائل زیادی همچون مجوزها و مسائل زیرساختی و تحریم و ... رویش بار می‌شود و ۲۵ درصد هم از او مالیات می‌گیریم که البته الآن شده‌است ۲۰ درصد. در این اقتصاد تولید دارد تنبیه می‌شود، سوداگری تشویق می‌شود. لذا انگیزشی برای ورود به حوزه تولید شکل نمی‌گیرد.

لزوم توجه به اثرات القایی شرکت‌های دانش‌بنیان در توسعه اقتصادی

ابوجعفری ادامه داد: در بحث برنامه توسعه اقتصاد دانش‌بنیان باید از فضای معاونت علمی و صندوق نوآوری و شکوفایی و وزارت علوم بیرون بیاییم. مطالبه‌گری باید از وزارت اقتصاد

و بانک مرکزی باشد. ما بیش از آن که به اندازه اقتصاد شرکت‌های دانش‌بنیان، تعداد شرکت‌ها و حجم فروش آن‌ها توجه کنیم، باید به اثرات القایی که این شرکت‌ها می‌توانند در توسعه اقتصادی داشته‌باشند توجه کنیم. این اثرات القایی باید به گونه‌ای باشد که اثرش را در بهره‌وری بگذارد. مثلاً شما وقتی انرژی را یک دهم انرژی منطقه قیمت‌گذاری می‌کنید هرچقدر هم تکنولوژی بیاورید که در انرژی صرفه جویی شود اقتصادی نمی‌شود چون اصلاً انگیزه‌ای نیست که روی این حوزه سرمایه‌گذاری شود. پس بهره‌وری باید اقتصادی شود. بهره‌وری نیز از دانش و تکنولوژی می‌آید.

وی افزود: یک برنامه‌ای در معاونت علمی شکل گرفته‌است که باید به سمت آن برویم. آن هم توسعه زنجیره‌های تاب‌آوری اقتصادی است. ما یک سری مساله داریم، مثلاً مساله آب، آلودگی هوا و امنیت غذایی و حمل و نقل داریم و در همه این حوزه‌ها نیازمند این بودیم که این توانمندی شکل بگیرد. این بچه الآن بزرگ شده‌است و رسیده‌است به سنی که باید برود سر کار. مثلاً ما در وزارت اقتصاد در دستگاه‌های xray کانتینری گمرک، در بحث‌های بیگ دیتا برای کشف فرار مالیاتی، در تشخیص خسارت برای بیمه و ... مشکل داریم. در اکوسیستم دانش‌بنیان نیز در این سال‌ها تلاش‌های زیادی شده و شرکت‌هایی در این زمینه شکل گرفته‌اند. ما شرکتی داریم که با عکس‌های ماهواره‌ای خسارت کشاورزی را تشخیص می‌دهد. بیمه ۲۵ درصد پرداخت خسارتش تقلب است. می‌توانیم از این شرکت‌ها استفاده کنیم که مساله پرداخت خسارتان را درست کنیم. باید از این فضای کلان که کلاً حمایت کنیم تا شرکت‌های دانش‌بنیان توسعه پیدا کنند خارج شویم و گلوگاه‌ها را در بیاوریم و ببینیم دانش‌بنیان‌ها چه کمکی می‌توانند بکنند. این طوری آن اثرات القایی معنی پیدا می‌کند. باید ببینیم به ازای ۱ واحد سرمایه‌گذاری در حوزه دانش‌بنیان چقدر بهره‌وری داریم ایجاد می‌کنیم.



کمتر از ۱ درصد از اقتصاد کشور دانش‌بنیان است

در ادامه نشست سعید شجاعی مدیرعامل صندوق پژوهش و فناوری ایران با اشاره به صحبتی از مقام معظم رهبری گفت: ایشان چند روز پیش در دیدار با نخبگان گفتند حتما از نخبگان حمایت کنید ولی منظور از حمایت لزوما پرداخت پول نیست و حتی گفتند چه بسا در مواردی حمایت مالی کار را خراب هم بکند.

شجاعی افزود: ما الآن نزدیک ۷۵۰۰ شرکت دانش‌بنیان داریم. سال ۹۹ درآمد این شرکت‌ها نزدیک ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بود. یک نکته جالب این است که این ۲۰۰ هزار میلیارد تومان ۸۰ درصدش برای کمتر از ۵ درصد از این شرکت‌ها بوده‌است. یک نکته جالب دیگر این که این ۵ درصد از شرکت‌های دانش‌بنیان اکثرشان قبل از قانون دانش‌بنیان و شکل‌گیری معاونت علمی وجود داشتند و کار فناورانه می‌کردند. حتما سیاست‌های حوزه فناوری باعث بهبود وضعیتشان شده‌است اما اصل و اساسشان مربوط به قانون دانش‌بنیان نیست؛ مثل مپنا، ایرانخودرو، ماشین‌سازی اراک و ...

وی ادامه داد: براساس روش‌شناسی‌هایی که سهم اقتصاد دانش‌بنیان را از کل اقتصاد کشور نشان می‌دهد، سهم اقتصاد دانش‌بنیان از کل اقتصاد کمتر از ۱ درصد است. رشد درآمد فروش ۷۵۰۰ شرکت دانش‌بنیان که البته نیمی از آن‌ها هیچ درآمدی ندارند، در سال‌های مختلف چگونه بوده‌است؟ آمارها می‌گوید اگر تورم و افزایش تعداد شرکت‌ها را حذف کنیم، افزایش معناداری در درآمد شرکت‌های دانش‌بنیان مشاهده نمی‌شود.

نباید اقتصاد دانش‌بنیان را به چند شرکت دانش‌بنیان تقلیل داد

مدیرعامل صندوق پژوهش و فناوری توسعه فناوری ایران با تصریح کرد: حمایت‌های ما اثربخش به معنای این که اقتصاد دانش‌بنیان سهم خودش را در رفاه اجتماعی و در رشد اقتصادی کشور نشان دهد نبوده اما در خروجی فناوری و نوآوری موفق بوده‌است. در برخی

نقاط گلوگاهی مثل بحث‌های تحریمی و ... نیز حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان خیلی گره‌گشا بوده‌است. یعنی فرضاً یک قطعه حساسی لازم بود که نقش جدی نیز در اقتصاد کشور نداشت ولی می‌توانست اثرات امنیتی ایجاد کند. آن را شرکت‌های دانش‌بنیان تامین کردند. در حوزه دفاعی ما به شدت متاثر از شرکت‌های دانش‌بنیان هستیم و بخش عظیمی از امنیت خود را مرهون شرکت‌های دانش‌بنیان هستیم. اما آیا این اثر قانون دانش‌بنیان بوده‌است یا اگر آن قانون را هم نداشتیم بازهم این شرکت‌های حوزه دفاعی و امنیتی را می‌داشتیم؟ من خیلی برآورد جدی ندارم که این قواعد و قوانین حمایتی کمک ویژه‌ای کرده‌باشد.

وی خاطرنشان کرد: ما فکر می‌کنیم معاونت علمی ریاست جمهوری مسئول شرکت‌های دانش‌بنیان است اما معاون علمی آن طور که از نامش بر می‌آید، معاون رئیس جمهور است برای تصمیماتی که قرار است در مورد اقتصاد دانش‌بنیان گرفته شود و رئیس جمهور هم رئیس کل وزارتخانه‌هاست. از نظر من معاونت علمی ستادی است که باید در حوزه اقتصاد، صنعت، فرهنگ، کشاورزی و ... نقش جدی داشته‌باشد. تقلیل دادن اقتصاد دانش‌بنیان به یک سری شرکت دانش‌بنیان که ما بخواهیم برای آن‌ها معافیت مالیاتی بگذاریم، صندوق تشکیل دهیم و به آن‌ها وام دهیم و ... اشتباه اساسی و بزرگی بوده که در این سال‌ها اتفاق افتاده‌است.

حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان نباید در حمایت مالی خلاصه شود

وی با بیان این که ما یک سری سیاست‌های انکوباتوری و گلخانه‌ای را پیاده‌سازی کرده‌ایم، گفت: گفته‌ایم یک سری شرکت جمع شوند، ما کاری به بقیه اقتصاد نداریم، کاری نداریم مشکل ترافیک و آب و هوا و آب و مسکن و ... داریم. یک سری شرکت دانش‌بنیان هستیم که آپولو هوا می‌کنند، ماهواره می‌سازند، موشک نقطه‌زن می‌سازند، داروی ضد سرطان تولید می‌کنند و به بقیه کشور هم کاری ندارند. در سطح کلان بزرگترین اشتباهی بوده که در این



حوزه اتفاق افتاده است و حمایت‌هایمان را معطوف کرده‌ایم به حمایت‌های مالی در صورتی که نه حمایت‌ها باید لزوماً مالی باشد و نه معاونت علمی یک وزارتخانه است برای این که از برخی شرکت‌ها حمایت کند. معاون علمی معاون رئیس جمهور برای تصمیم سازی در همه حوزه‌های مرتبط با علم و فناوری و اقتصاد دانش بنیان است.

از درون اقتصاد بهینه و بهره ور، دانش بنیان بودن در می آید

وی ادامه داد: از این که چطور اقتصاد دانش بنیان به کل اقتصاد وصل شود و از حالت انکوباتوری خارج شود، دو تعبیر می‌توان داشت. تعبیر ضعیف‌تر این است که ما وقتی می‌گوییم شرکت‌های دانش بنیان و حمایت از اقتصاد دانش بنیان، علاوه بر این که معاونت علمی و صندوق نوآوری و شکوفایی باید وام بدهند و حمایت کنند، نظام مالیاتی نیز معافیتی بدهد یا اعتبار مالیاتی بدهد. یا مثلاً گمرک و تامین اجتماعی معافیتی بدهد یا وزارت صمت فلان مجوز را حل کند. این تعبیر نسبتاً ضعیفی از خارج شدن از انکوباتور یا وسعت دادن به اقتصاد دانش بنیان است. در همین قانون جهش تولید دانش بنیان نیز این تعبیر را دارد معنی و پیاده سازی می‌کند.

شجاعی افزود: تعبیر دیگری که شاید خیلی قوی‌تر است این است که ما کاری کنیم که اساساً از درون اقتصاد صفت دانش بنیان بودن بروز و ظهور پیدا کند. درواقع دانش بنیان، نتیجه آن اقتصاد بهینه و بهره ور است. اقتصادی داریم که ذاتاً از آن دانش بنیان در می‌آید؛ چون رقابت و حقوق مالکیت در آن به رسمیت شناخته می‌شود، دلالتی در آن جایگاهی ندارد و انگیزش لازم برای فعالیت در حوزه فناوری به وجود می‌آید. این تعبیر دوم لازم بود از قبل شروع شود و حداقل در پیش زمینه ذهن مسئولین باشد. به نظر من آن مسئولی که داشته بحث دانش بنیان را پیش می‌برده، در ذهنش نبوده است که ما ۵ سال بحث دانش بنیان را به صورت انکوباتوری پیش می‌بریم و بعد به حالت اصلی بر می‌گردیم و شاید اگر تا ۵۰ سال آینده هم با همان مسئولین و با همان ذهنیت‌ها می‌خواستیم جلو برویم همچنان در همان

قاعده انکوباتوری می‌ماندیم.

به مدل انکوباتوری اقتصاد دانش بنیان نیز انتقادات زیادی وارد است

وی ادامه داد: در همین محیط انکوباتوری ما انتظار داشتیم معاون علمی وقت، درمورد ارز ۴۲۰۰ تومانی نقش ایفا کند چرا که اقتصاد دانش بنیان با این کار نابود می‌شد. ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات به معنای نابودی رقابت و بهره‌وری است. یا ما در بحث دارو الآن قیمت‌گذاری دستوری داریم. صنعت دارو که بخش عمده‌شان هم دانش بنیان هستند الآن در حال نابودی است. نقش معاونت علمی در این موضوع نزدیک به صفر است. با فرض این که ما نیاز داشتیم یک دوره‌ای مدل انکوباتوری داشته باشیم، در همان مدل هم انتقادات زیادی به عملکرد ما وارد است.

شجاعی افزود: سیاست‌های ما در ۱۰، ۱۵ سال اخیر در همین فضای انکوباتوری هم سیستماتیک و نظام‌مند نبوده‌است. به جز بخشی که مربوط به شرکت‌های دانش بنیان می‌شود از ارزیابی تا نحوه حمایت‌ها، سیاست‌ها در خود معاونت علمی سیستماتیک نبوده و نتایج نامتوازی از اتفاقاتی که افتاده‌است را شاهد بوده‌ایم. مثلاً در این ۷، ۸ سال معاونت علمی حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان پرداختی داشته اما قاعده مشخصی برای توزیع این پول وجود نداشته‌است. مثلاً صندوق نوآوری و شکوفایی می‌گوید هر شرکتی که دانش بنیان باشد پس از اعتبارسنجی می‌تواند مبلغ مشخصی وام دریافت کند و نسبتاً در این حوزه خوب عمل کرده‌است. اما معاونت علمی چنین قاعده و دستورالعملی ندارد. یک منطق رفاقتی، سلیقه‌ای، احساسی در معاونت علمی حاکم بوده‌است که به چه کسی، کجا و با چه قاعده‌ای کمک شود. یعنی مثلاً یک آقای در فلان بازدید از فلان شرکت خوشش می‌آمده و یک دفعه چند میلیارد تومان کمک می‌کرده‌است. من اسم این‌ها را می‌گذارم حمایت بدون ضابطه و بدون قاعده که تبعات بدی دارد. مهم‌ترین پیامدش این است که انگیزه‌ها را می‌کشد و پیش‌بینی‌پذیری را از افراد می‌گیرد. یعنی شما نمی‌دانید اگر مرکز نوآوری تاسیس کنید حمایت می‌شوید یا نه.



بسیاری از اقدامات انجام شده در حوزه دانش بنیان، ویتیرینی بوده است

وی تصریح کرد: نتایج کارهای ما نشان می‌دهد که کارهای ما ویتیرینی بوده است. ما کارهای سخت و دشوار را در اقتصاد دانش بنیان کنار گذاشته ایم و به کارهای ساده تر پرداخته ایم. مثلاً در حوزه VC، حجم خدمات VC از سوی معاونت علمی و صندوق نوآوری و شکوفایی به نسبت سایر خدماتی که داده است در حد ۳ درصد یا کمتر از ۳ درصد است. کارهای سخت را خیلی انجام نداده ایم. در عوض وام بانکی زیاد داده شده است. شرکت هایی بودند که اگر معاونت علمی هم نبود از بانک وام می گرفتند اما الآن به واسطه معاونت علمی به جای وام ۱۸ درصد، وام ۱۶ یا ۱۷ درصد می گیرند. این جزو آمار سیاست های حمایتی معاونت علمی و صندوق نوآوری و شکوفایی آمده است. برای ما مهم بوده است که تعداد صفرها زیاد شود نه این که اقتصاد دانش بنیان حتی به همان معنای های تک محقق شود.

وی خاطرنشان کرد: حمایت های ما در این حوزه به صورت رانتی و بدون منطق اقتصادی انجام شده است. ما خیلی جاها به کسی که نیاز به پول سرمایه گذاری داشته است وام داده ایم. یعنی کسی که باید براساس یک منطق اقتصادی برای کارش سرمایه گذار پیدا می کرده به راحتی وام قرض الحسنه گرفته است. ما در همان منطق انکوباتوری هم مشکلات زیادی در سیاست گذاری هایمان به ویژه در بخش تامین مالی داشتیم و در همین منطق هم می توانستیم خیلی بهتر عمل کنیم. به علاوه باید زمانی هم بگذاریم که از این منطق انکوباتوری خارج شویم. به نظرم وقت آن رسیده است.

حمایت های مالی باید ذیل یک «نظام تامین مالی» انجام شود

در ادامه نشست عبدالمجید مرشدی معاون دفتر تامین مالی و سرمایه گذاری معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری گفت: بدون تجربه ای و صرفاً با یک سری مطالعات خارجی قانونی نوشته شد و معاونت علمی شکل گرفت. قبل از تشکیل معاونت علمی نیز نهادهای دیگری بودند که در بحث های دانش بنیان و فناوری کار می کردند و بعد معاونت علمی شکل گرفت.

بالاخره باید از یک جایی این بحث شروع می‌شد. تا جایی کاری نمی‌شد کرد و باید آزمون و خطایی انجام می‌شد. من از این دفاع می‌کنم تا ۵ سال پیش. این تغییر و اصلاح قانون که اتفاق افتاده خوب است اما خیلی دیر است. ما خیلی زودتر از این‌ها باید اصلاحاتی روی قانون دانش‌بنیان انجام می‌دادیم. غیر از بحث قوانین، در دولت وقتی یک ریلی گذاشته می‌شود به روالی تبدیل می‌شود که افراد بعدی نیز ادامه کار قبلی‌ها را انجام می‌دهند.

وی ادامه داد: صندوق نوآوری و شکوفایی دست افرادی است که فهم مالی ندارند. در اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی بندی به اسم حفظ سرمایه صندوق هست که بسیاری از مشکلاتی که از ابتدا در این صندوق بود به این دلیل بود که می‌گفتند ما باید سرمایه صندوق را حفظ کنیم. بسیاری از مشکلاتی که در صندوق نوآوری و شکوفایی وجود دارد مانند منابع، اهرم کردنش، ریسک‌ها و ... به این دلیل است که با این بند گفته‌اند که ما ریسک انجام ندهیم. ما همین مشکل را در نهادهای دیگر هم داریم.

مرشدی تصریح کرد: حمایت‌های مالی باید ذیل یک نظام تامین مالی انجام شود. یک کاری که الآن می‌شود روی آن فکر کرد شکل دادن این نظام تامین مالی است. نظامی که از زیرساخت شروع می‌شود تا می‌رسد به بحث توسعه بازار و منابع مالی و سایر مسائل. بازار پول و سرمایه و بیمه و ... هم هست. بحث‌هایی مثل بیمه شرکت‌های دانش‌بنیان و جذب سرمایه خارجی ارکانی هستند که نظام تامین مالی را شکل می‌دهند.

باید چشم‌انداز معاونت علمی تغییر یابد

وی ادامه داد: بحثی در مدیریت دولتی هست به نام فاصله بین قانون گذار و مجری. قانونگذار، قانونگذاری می‌کند و مجری هر کاری می‌خواهد انجام می‌دهد. به نظرم ما در این مساله هم عقبیم. قانونی وجود داشته و قانون جدیدی که اصلاح شده‌است اما در بسیاری از موارد حدود قانون را نتوانسته‌ایم رعایت کنیم. باید ببینیم اصلاً مدیران معاونت علمی و صندوق نوآوری و شکوفایی قانون را می‌دانند یا خیر و به چه شکل می‌خواهند اجرا کنند.



ارتباط بین نهاد قانونگذار و مجری باید از همین الآن برقرار شود. معاونت علمی و صندوق باید چشم انداز و ماموریتشان عوض شود. باید یک بار بنشینند صحبت کنند که قانونی که مصوب شده‌است به چه شکل باید اجرا شود.

گزارش تصویری



اولین نشست از سلسله نشست
«اقتصاد دانش بنیان؛ چابستی، موانع و الزامات»

عنوان:

ارزیابی عملکرد کشور در حوزه اقتصاد دانش بنیان



صابر میرزایی

معاون پژوهشی مرکز همکاری‌های
کحول و مشارکت ریاست جمهوری



سید سعید منجم زاده

معاون مرکز نشر کتابها و موسسات
دانش بنیان معاونت علمی ریاست جمهوری



سروش قاضی نوری

رئیس مرکز تعقیبات
سیاست علمی کشور

برگزار کنندگان:



ریاست جمهوری
معاونت علمی و فناوری



ساعت
۱۴ الی ۱۶



معاونت علمی و فناوری
ریاست جمهوری



دوشنبه
۷ شهریور ۱۴۰۱

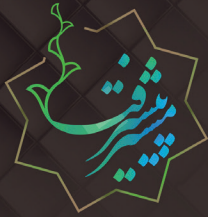
www.Mett.ir



@Masirepishraft

LIVE





دومین نشست از سلسله نشست
«اقتصاد دانش بنیان؛ چిستی، موانع و الزامات»

عنوان:

بازتعریف اقتصاد دانش بنیان با تمرکز بر مفهوم بهره‌وری



سپهر قاضی نوری
استاد تمام سیاست‌گذاری علم و فناوری
دانشگاه تربیت مدرس



محمدجواد توکلی
رئیس پژوهشکده امور اقتصادی
وزارت امور اقتصادی و دارایی



محمد مهدی تاجیک
کارشناس اندیشه‌کده اقتصاد مفاوضات



علیرضا پاپاخان
مدیرعامل صندوق پژوهش و فناوری
استان البرز

برگزار کنندگان:



ساعت
۱۵ الی ۱۸



پژوهشکده امور اقتصادی
وزارت اقتصاد

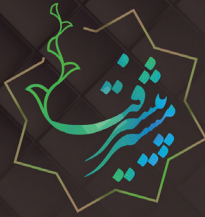


چهارشنبه
۳۰ شهریور ۱۴۰۱

www.Mett.ir

@Masirepishraft LIVE





سومین نشست از سلسله نشست
«اقتصاد دانش بنیان؛ چيستی، موانع و الزامات»

عنوان:

راهبرد ارتقای بهره‌وری از مسیر دانش بنیان شدن اقتصاد کشور



عبدالله صوفی
عضو هیئت علمی دانشکده ریستیکسین
آمریکا و استاد سیاست صنعتی



میر سامان پیشوایی
رئیس
سازمان ملی بهره‌وری ایران



محمد امینی رعیا
مدیر
انديشكده اقتصاد مقاومتی



محمد رضا حصاری
معاون ساماندهی شبکه ملی بهره‌وری
سازمان ملی بهره‌وری ایران



کریم زاهدی
معاون نظارت و ارزیابی علمی
شورای عالی انقلاب فرهنگی

برگزار کنندگان:



انسان ملی بهره‌وری ایران
NATIONAL FOUNDATION FOR ECONOMIC RESEARCH & POLICY STUDIES
اقتصاد دانش بنیان
پیشرفت

LIVE vc.npo.gov.ir/bahrevari



ساعت
۹ الی ۱۲



سازمان ملی
بهره‌وری ایران



دوشنبه
۲۵ مهر ۱۴۰۱

www.Mett.ir

@Masirepishraft





چهارمین نشست از سلسله نشست
«اقتصاد دانش بنیان؛ چپستی، موانع و الزامات»

عنوان:

سازکارهای حمایتی و انگیزشی در راستای تحقق اقتصاد دانش بنیان



روح‌الله ابوجعفری
عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات فناوری
و مشاور وزیر اقتصاد در امور دانش بنیان



روح‌الله مفکر آزاد
نماینده مجلس و عضو ناظر مجلس در
شورای عالی تلف



سعید شجاعی
مدیرعامل صندوق پژوهش و فناوری
نوسمه فناوری ایرانین



سید جعفر حسینی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات فناوری
و مدیر گروه نوسمه مرکز پژوهش‌های مجلس



عبدالمجید مرشدی
معاون دفتر رئیس ملی و سرمایه گذاری
معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری

برگزارکنندگان:



ساعت
۱۵ الی ۱۸



وزارت امور اقتصادی
و دارایی

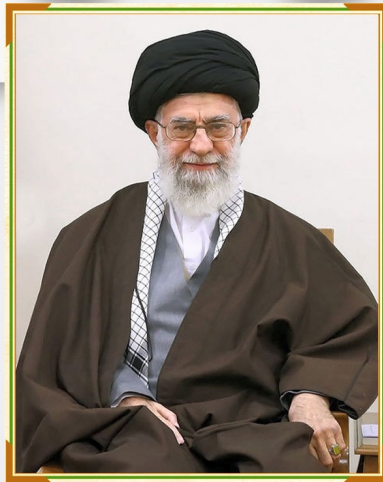


دوشنبه
۹ آبان ۱۴۰۱

www.Mett.ir

پخش زنده در: **LIVE** آپارات [@masirepishraft](https://www.masirepishraft.com) [Instagram](https://www.instagram.com/masirepishraft) [Facebook](https://www.facebook.com/masirepishraft)





تنها راه رسیدن به رشد اقتصادی، حرکت به سمت اقتصاد دانش بنیان است. منظور از اقتصاد دانش بنیان، نگاه علمی و فناورانه به تولید در همه عرصه‌ها است که نتیجه آن، کاهش هزینه‌های تولید، افزایش بهره‌وری، ارتقای کیفیت محصولات، رقابت‌پذیر شدن تولیدات در بازارهای جهانی و کاهش قیمت تمام شده محصولات در داخل خواهد بود ... در همه بخش‌های دیگر هم چه بخش‌های مربوط به تولید چه بخش‌های مربوط به خدمات همین برکات وجود دارد یعنی حجم محصول افزایش پیدا می‌کند، کیفیت بالا می‌رود و قیمت تمام شده کاهش پیدا می‌کند. در واقع دانش بنیان کردن تولید بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی را ارتقا می‌دهد.

بیانات نوروزی رهبر انقلاب خطاب به مردم ایران ۱۴۰۱/۰۱/۰۱

